

تندازه که ابداً ملت او را قبول ندارند

(انجمن مقدس ایالتی خراسان)

از مشهد بهستان

(۱۵ ربیع الاول)

جناب نیل اهدوه مأمور اداره استبداد. ازقرار معلوم قاصین حقوق ملت شارا برای کار گذاری خراسان تعیین و مأمور نموده اند. این فقره را بدانید که ملت برای خراسان تعیین کار گذار نموده و ابداً شارا را باین سمت نمی پذیرند و هرگاه بخواهید بمشهد بیاید صرفه نخواهید برد البته از هاجما بطهران معاودت نمایند (انجمن ایالتی خراسان)

از مشهد به قاط جزو خراسان

بموم کار گذاری های قاط خراسان. چون جناب جلالاب منتخب الملك بکار گذاری کل خراسان از طرف ملت انتخاب شده اند. لهذا بجنابانعالی اخطار میشود من بعد هموماً هر امری و اتفاقی که راجع باداره جنابانعالی است بجناب مشارالیه اظهار نموده و هر قدم تقویت و همراهی را از ایشان خواستار شوید هرگاه بطهران رجوع نمایند غیرسد و مسئول هم خواهد شد (انجمن ایالتی خراسان)

ترجمه مجلس ۳۱ مارچ

(مبجراستروتهرگری) درپارلمان انگلیس از وزیر خارجه (سر ادوردگری) سوال نمود که آیا وزارت خارجه خبر رسیده است که مستحفظین روسی که فرستاده شده اند بایران برای قونسلات از ابراهیم بر خواهند گشت زمامی که حالت ملک آرام شود و انقلابات خوااموش گردد ؟

(سر ادوردگری) جواب داد - رشت فقط تنها شهری است که تعداد مستحفظین قونساخانه روس زیاد شده و من سابق بر این ضرورت این را بیان نموده ام که برای چه این عده زیاد شده اند ، و هیچ جای حرف نیست این عده که اضافه شده زیاد بر ایام ضرورت مقیم نخواهند بود ، و این بیان من ماسوای آنست که در رشت اقدام شده که آن را باید خود دولت روس تصفیه نماید

۶ اپریل - مشروطین از خدمات يك فر (آوینس) و يك فر (اسریکان) که در مشق نظام ملی تبریز منتهای جان نشانی را مینمایند قوه تازه حاصل نموده اند

تکالیف زیاد برای اهل شهر از قتل ارزاق محسوس نمی شود. اگر تبریزیان خود را به بازنده ده هزاران نفوس آنها مقتول و اموالشان بر باد خواهد رفت. اگر ایستادی نمایند از گرسنگی هزارها تلف خواهند شد. آنهایک بر طرف محض اند از هر جانب خوف زده شده چه جنگ بشود و چه نشود زیرا آنها را یقین کامل است که از دست خونخوارانیکاطراف تبریز را محاصره نموده اند نجات نخواهند یافت ، طاقت شهر چه بشود معلوم نیست، ولی خوف خونریزی و اتلاف نفوس زیاد از هر جبهه هویداست . اگر تبریز قرب اروپا بوده نوع دوستان متوجه می شدند بملاج آنها ، ولی در آسیا در این گونه مواقع همدردی لمسایت بکار برده نمی شود. تبریزیان باید بهیچ جانب خود چشم راه مدد نباشند ، هزارها نفوس بیگناه که تن بهوت داده اند تلف می شوند ، چه می دانند رهائی آنها دشوار است ، در مشرق خلیل کم مردم اند که همراهی نمی نمایند خصوصاً ابرائیمها که خلیل پروا مستند بختیاربیا هم دیده نمی شود که تدارکی کرده باشند برای حرکت بطهران ، رشتی ها هم ساکت و سامت نیستند و بروز حتی نداده اند ، هیچکدام و از هیچ جانب قدسی برنداشته که همراهی نماید باعالی تبریز که با این جوانمردی تا کنون بیای خود ایستاده و مشروطه را قائم گذاشته و قومیت ابرائیمرا نگاهداشته است يك متنفسی از اهالی ایران که خود را دشمن ظلم و بر اصفافی قلم داده انگشت خود را بجناب تبریز دراز نموده که بوقت ضرورت باو ککی رساند ، حومری که مشروطین ایران بروز داده مخوفی ظاهر میدارد طاقت تبریز را که چه قدر از آنها تلف خواهند شد و این نکته میباشد که ابرائیم هنوز معنی آفاق را فهمیده اند

۹ اپریل - امروز وزیر جنگ را ملاقی شده. این مرد بی سالار قشون دولت است و سه مرتبه در اروپا همراه شاه گذشته رفته بوده. عجب این است که ابداً وی اسایت مدافعت نریده و چنان درباره معاملات ایران بیای خود ایستاده که حرکت می خواهد نکند ، اظهار داشت که در محاکت ایران ابداً مردم طرفداره مشروطه نیستند، و این اقوالهات که شنیده میشود محض گریز از دادنی مطالبات است که نمی خواهند

بهولت برسانند ، در اقدار شاه اداً خلی روی نداده
و ظاهراً هم معلوم نمی شود که در خیالات خود ضعف
بهم رسانیده باشد

حسّه از قشون قم برای نگرانی بختیارپا که بجانب
طهران حرکت کرده مقرر گشته اند ، ولی اصل واقع
چنین است که بختیارپا برای تبدیل موسم تغییر منزل
می نمایند و چارپایان خود را نیز همراه دارند

۱۰ اپریل - خلی زود شلیده خواهد شد که
انقلابات ایران بالا گیرد ، و حاجتی از بیطرفان تبریز
با شاه در مخایره هستند ، و شاه سردار اردوی خود را
که در بیرون تبریز است حکم داده که رسیدگی در امور
آنها بنماید و تصفیه امر بکند ولی بهیات است ؟

مقدار زیادی از جواهرات سلطنتی بدست یکی از
کپانی فرانسه افتاده و برای فروش آنها با کبانی های
دیگر فرانس گفنگو جاری نموده است ، پول در خزانه
ادا نیست و مواجب ملازمین دربار هم داده نشده است
قونسلات خارجه مقیم تبریز به این لوله براسیه
دویست طرور گندم نوشته که رعایای آنها لازم دارند
جواب داده که از جانب دولت مأمور نیستم

۱۲ اپریل - چنان معلوم میشود که بعضی اشخاص
از اهالی تبریز بشاه هر بنده فرستاده و شاه حکم داده
است به این لوله که آنها را پذیرائی نماید

از جانب دیگر ستارخان استقلال کامل خود را
ظاهر میدارد و میگوید تا آخر وقت هم ایستادگی
خواهد نمود ، از جاهای دیگر هم دیده نمی شود که
کسی بمدد وی برخاسته یا بخمال کمک رسانیدن باو باشند
محاصره شهر جاری و تا تصفیه نشود مردم حقیقتاً در
سدمه افتاده حالشان هم روزی بدتر خواهد شد ، اگر
محاصره همین قسم جاری باشد اهالی تبریز از گرسنگی
خواهند مرد ، اگر تبریز را مستبدین قبضه نمایند
سپاهیان شاهی که خیسالشان فقط قارت و مال مردم
نودن است همه را حلت خواهند نمود

۱۴ اپریل - ستارخان را ملاقات نمودم اظهار
داشت به بجز وقت برگشت از خیال خود ندارد ، قشون
زود از موجود ، خوراک برای چند ماه دفاع آماده
دارد ، اسباب جنگ و آلات حرب هم بسیار فخریه
نموده قدینه هم در خزینه اوست ، از مغرب باید باو
خبر برسد که آیا آنها قلع نموده اند یا نه ؟ اگر پیش

رفت در کارشان شده باشد پس فوری حله بطهران
خواهد شد ، اکنون تمام توجه من فقط در شکستن
محاصره میباشد

تت الاسلام با دو نفر از علای دیگر ۱۹ اپریل -
بجانب (باسلاج) رفت و تا کنون هم در آنجا مقیم
اند ، خیال دارند درباره تبریز با شاه مخایره نموده
بلکه اصلاح بنمایند ، نتیجه تا کنون ظاهر نشده است
ترجمه جرائد برلن در حرکات انگلیس و روس

(درباره ایران)

با وجودیکه (پرنس بولو) در نطق خود در مسائل
راجعه بایران اظهار داشته که نذارکاتی را که دولتین
انگلیس و روس در معاملات ایران می نمایند مضر
بمنافع ما نتواند بود ، معذرتاً اخبارات آلمانی مائل شده اند
که اظهار دارند بعضی اقدامات بدی را که این دو
دولت در پوشهر و رشت نموده اند

اخبار (سوشی زیتانگ) مینویسد - انگلیس و
روس که لادهوی خودشان را بری در مداخله امور
اندرونی ایران مینمودند ، تمام دنیا را آگاه نمودند که
مقصودشان چه بوده است ، از روزیکه انگلیس و
روس معاهده در امور ایران کرده انقلابات این مملکت
روز بروز زیاد شده و حالا دو سال است که همه روزه
انقلاب بالا میکشند ، ازین ظاهر می شود که انقلاب
ایران خانه نخواهد شد تا وقتیکه بکلی سلب آزادی از
ایران به نمایند

اخبار (دجز تاکی زیتانگ) مینویسد - انگلیس
و روس هرگز قشون خود را از ایران بیرون نخواهند
برد ، بجهت اینکه این دو دولت خودشان (که متفقاً
بیک سیاقی در آنجا حرکت میکنند) اوضاع آن مملکت
بدبخت را بدین حال در آورده اند ، که عذری برای مداخلت
خود بتوانند اقلابیان نمایند که مجبور بودیم ، این دو
دولت (خوب محافظت خواهند کرد آزادی ایران را)
همراه همین را خواهند جواب داد که چون تا کنون
انتظامات کامل نشده قشون ما باید بماند ، اگر چه
اخبارات فرانسه هم بعضی عناوین اخبار (طمس) را
تصدیق نموده اند ، ولی این گونه تأییدات اخباری و
عینان منسوب نمود در خلوش بیقی دولتین ، خیال دولتین
غالباً این است که منعکس بدارند خیالاتی را که در آلمان
تازه در مسائل ایران پیدا شده است

ترجمه دبی نیوز ۱۳ اپریل

در دو قطه سرحدی ایران قشون خارجه قدم جوارت را پیش نهاده - در جانب شمال دستة از قزاقان روس وارد رشت شده و از طرف جنوب سباهیان بحری انگلیس وارد پوشهر گردیدند - در این وقت نازک مشکل است بخوبی نمود که چه مشکلاتی عظیم و حدمه بزرگ و رعایای خارجه وارد شده که دولتمندان مداخلت مسلحه در خاک ایران نموده اند - اخباراتی که از شهر رشت می رسد حرکت قزاق روس بیجا بوده است - چه رشت در دست قوم تربیت یافته به سرداری يك شخص دانای بزرگ و مدبر است - انتظام آنجا را بهتر از زمان نگاهدانته که بدست شاه بوده است، در پوشهر هم اگر ملاحظه شود جاسق عرب وحشی وارد شده و مرفع را غلبت دانسته مقررات مشغول شدند، البته در پوشهر نسبت به رشت قدری مقام ترس بود - ولی فرود آوردن قشون بمجاهدیکه خیلی اغتشاش و ناامنی باشد و خسوف از خونریزی خارجه برود لازم می آید - اما هیچ خصوصیتی برای دولت انگلیس در پوشهر پیش نیامده بود که برای حفظ رعایای خویش چنین تدارک سختی نماید، مردمان که برای تجارت داخل ملکی می شوند و قلع حاصل می کنند باید خودشان را هوشیار داشته و نگاهداری کنند که واقعه ناگواری رخ ندهد - اینگونه مداخلت در جا و مقامی لازم می آید که اهالی ملک خود را نتوانند انتظام نمایند یا اینکه قوه مدافعه نداشته باشند

چرا در انقلاب (مکرانقد) قشون بحری فرود نیاوردند و حال آنکه دو روز کامل آتش بغاوت و بلوا سر به بالا کشیده و در (ادبه) که یکمفته کامل در خون ریزی بود میان اهالی مشغول بودند لشکر یابین نیاوردیم، و حال آنکه تعداد نفوس خارجه خیلی در آنجاها بیشتر از رشت و پوشهر بود و يك قزاق در بلوای پاریس فرستاده نشده که بعد مورث بعضی گفتگوها شود - در این وقت اینگونه مداخلت ها در ایران خیلی بی جا است مگر البته بمجال تصرف افتاده و بعضی نام اسم محافظت را جلو انداخته اند

بهر صورت اطمینانی که یکی از افسران روسی

بوقایع نگار ما در پترسبرگ داده نسی - میباشد - تا آنجائیکه او را اطمینان حاصل است تا حال خیال روس بر این قرار نگرفته که شمالی ایران را بنصرف آورد و حکومت روسی طالب این است که دولت انگلیس با او متفق شده زور آورند شاه را به اجرای قوانین مشروطیت و افتتاح پارلمان - اگر (واقعا) خواستگار این مطلب میباشد (این خیالات خود را باید در طهران ظاهر دارند البته ایران آراسته و آرام خواهد گردید و امیدی در بهبودی سلطنت هم خواهد رفت - ما تاکنون آگاه نمی باشیم که امروز وزیر خارجه روس کدام شخص و فردا که خواهد بود - ولی يك جنبه سیاسی ما این قول را تصدیق میتوانیم بکنیم و آن توجه دولت عثمانی است بطرف ایران - دولت عثمانی همیشه حرکات دولت روس را بایران نگران بوده است و هرگز راضی نتواند شد که دولت روس از سرحدات ایران مقام مهمی را حاصل کند، و براسی اینکه قدری زور خود را باین دو دولت بنماید با اطریش متحد شده و او را بطرف خویش مائل ساخته است - اگر چه اقوام آنها پیش از وقت بوده است ولی این شدش (از بعضی کیفیت های حلل پاننا و آریکل های اخبارات ترکی) و از قیاسات خارجی معلوم می شود - اگر دولت انگلیس و روس بخواهند عثمانی را از ماروی آلمان جدا نمایند - لازم است آنها حکمت عملی خود را در ایران تغییر دهند - قائم گذاشتن میزان اعتدال در میان دول مقید تر است از حاصل کردن بعضی رعایات در ایران، اگر میزان اعتدال دول سبک و سنگین شود بقیه ایران محفوظ خواهد ماند اگر وزارت خارجه روس بشاه (تسمیه) به وقایع نگاران ما میگوید (حالی بصکند تمام این اغتشاش ایران در هرصه يك منته خواهد بود خواه شد - دولت روس باید خیلی ممنون سر ادورد گری باشد - که قرص هم میدهد - ملاقات شاه هم میکند - و بعضی امداد طلبه هم میبراند - ولی زمان رسیده است که بعضی از راز های او در طهران آشکار و ظاهر گردد

ترجمه دنچستر گاردن ۸ اپریل

احرار اروپا به توپخانه دولتی را که دارای هفت

توب بوده منصرف شدند - محترم السلطنة حکم آنجا را گرفتار و به سلهای فرستاده اند

بوجب خبریکه از اصفهان رسیده حضرت مصمم السلطنة سردار جلیل مشروطه خواهان جنوب اظهار داشته که مصمم حرکت بجانب طهران بعد از ورود برادرشان حضرت سردار اسعد از همراه هستند - الفواه است که سردار اسعد به همراهی خود قشون زیاد با لوازمات جنگ و اسلحه بسیار دارند

احرار اصفهان ورشت تا انجمن سعادت اسلامبول همیشه در مکانه و مخاره میباشد

در اطراف کرمان دزدان زیاد علناً اردو تشکیل داده و تمام راه بهیر از راهی که به معبد می رود احاطه نموده اند - اکثر اشیاء معمولی نایاب و گران قیمت و قیمت ارزاق هم مطابق معمول زیاد شده است - قیمت چند هفته است در رفسنجان معطل و انبوه شده است

روز یکشنبه عین الدوله تبریز را بمبارد نمود و سه ساعت متوالی شایک توب و تفنگ جاری بود ولی تصان عظیمی وارد نتوانست آورد

۹ اپریل - در همدان تا کلون انتظام مشروطین کامل شده ، خبر مخالفت با پهلویان هم شنیده می شود الفواه است قشون دولتی از قم بجانب کاشان حرکت نموده و نیز میگویند که سردار اسعد در اصفهان با دو هزار سوار جرار رسیده است

از تبریز خبر رسیده که امروزه باقیه الاسلام بجهت تبریزی بشاه تلگراف نمود و جواب دلپسندانه شنیده ولی اخبارات تلگرافی طهران باقیه الاسلام جاری باقیه الاسلام بوقالت ملت با عین الدوله در تلگراف خانه باسئج در سوال و جواب است از جانب دیگر حضرت الدوله بامر شاه در تلگرافخانه طهران مشغول سوال و جواب میباشد

۱۶ اپریل - از تبریز خبر رسیده که رحیم خان دست قشون خود را برای حمله تبریز فرستاده با شکست زیاد عودت نمود ، عین الدوله هم بمبارد بشهر نموده بلکه تبریز را حراب کند ولی نتیجه جز زیان حاصل نه نمود

از طهران خبر رسیده که بختیارها با سواران بسیار از اصفهان بیرون آمده و بسرعت تمام بطرف

طهران میروند

انجمن تبریز (۵۰۰۰۰) توسط وجوه کرک آذربایجان را بمصرف مل آورده است

دولت ایران خواهش قونسلات تبریز را که برای آفوقه از عین الدوله نموده بودند قبول نموده است

ترجمه استفسار

(۱۵ - اپریل)

انقلابات بوشهر تا کلون موقوف نشده چه رئیس مشروطین آنجا از خارج شدن تا بسین مسلح خودانکار دارد و گمان این است که زیاده هم با او ملاحظه خواهند شد بسبب همین گفتش با بازار ها بند و تجارت موقوف ، هجوم را اعتقاد بر این است که املیت قائم نخواهد شد تا آنها را بیرون نمایند

ایضاً - اخبار (نوبوریها) مینویسد که در مسئله شدت و سختی حال تبریز وقایع نگار ما با شاه ملاقات نموده و چنین اظهار داشته است که اگر شاه مجلس پهلوان برقرار دارد تمام اهالی ایران اسامه را خواهند گذار در جواب شاه چنین بیان نموده اهالی تبریز قلته انگیز و قابل سزای بسیار شدید میباشد

قونسل جنرال روس مقیم تبریز رپورت میدهند که ۵۰۰۰۰۰ نفر از اهالی تبریز تسلی دوچار اند تسخط زدگان مسند هستند که اسامه بگذارند ولی از خوف قتل و قارت قشون دولتی بیم دارند

اخبار (رچ) تلگرافی از طهران اشاعت داده که ستارخان سردار مشروطین تمام دنیا را آگاه می سازد اشاعت تسلی و قاتل کشی اهالی را اخبار (بلاشمنرد) روسی منتشر نموده و تمام غلط و دروغ است ، در تبریز آفوقه موجود و کفایت چند ماه را می نماید ، و نیز ستار خان قسم یاد نمود اگر پای خارجه بیان نیاید تبریز تسخیر نمی شود و تا حکم معامه ایران اینستادی تواند نمود ، این الفواه دروغ محض است بلکه اهالی خیال دارند سلاح بپزند و تسام شوند اگر ضمانت داده شود ، این الفواهاست از جانب دشمنان آزادی خواهانست

تلگرافات روز راجع باران

(۱۲ - ۲ - ۲)

بین سواران رحیم خان و قراولان روس منافات واقع شده بکنفر از سواران رحیم خان جنگ رسیده

است (این حرکت برای آن است که قیام روس و ادعای وی را بر آذربایجان زیاد نمایند) (۱۵ - ج ۲ - ص ۵)

امروز شاه فرمان در منظوری مشروطیت سلطنت صادر نمود. (۱۹ جولای - اول رجب) یوم الافتتاح پارلمان مقرر شده است

شاه بفرمای روس و انگلیس رسماً اطلاع داده که نصاب آنات در خصوص مشروطیت سلطنت منظور شده و تفصیل وار شرح جزئیات آن را خواست اند. خبر روز از طهران خبر میدهد که بهتلاً دو بیست و چهار نفر از مجاهدین رشت در چهارم می وارد قزوین شده بر عمارت حکومت حمله نموده ققون ساحلوی تا صبح جنگیده طاقت بیست نفر مقتول و صد نفرشان تسلیم و عمارت حکومتی هم بقیضا مشروطیین درآمده است (۱۶ - ج ۲ - ص ۷)

خبر روز از طهران خبر میدهد که یکصد نفر (ایرانی) و دونوب مکیم برای محافظه بل (کرج) که سی میلی فرس طهران است فرستاده شده چه مجاهدین از آن راه حرکت بطهران خواهند نمود

رورنامه طمس از وقایع نگارش در طهران خبر یافته که آتشی سفارت روس روانه شده که مجاهدین را از حرکت بجانب طهران باز دارد و نیز بسپهدار اعظم که رئیس ملتیان است اطلاع داده شده که اگر ققون ملی که بجانب طهران می آیند باز ندارد روس مجبور به برخی اقدامات خواهد گردید

(۱۷ - ج ۲ - ص ۸)

موجب تلگرافیک روز از طهران بلندن نموده در سفارت خانه انگلیس انعقاد مجلسی شده که سفیر روس و وکلای شاه حاضر بودند. تمام تکلیفاتی که شاه خواسته بود در خصوص مشروطیت ایران شرح قلم بند نموده و اظهار داشته اند که اگر شاه یکی از آن مواد را رد نماید چنان تصور خواهند کرد که تمام پروگرام آنها رد شده است (۱۹ - ج ۲ - ص ۱۰)

خبر روز از طهران خبر میدهد که شاه پروگرام دولتی روس و انگلیس را که علاوه بر آن بوده است بعدالحواله را امر شده است که کاملاً وروا را از مشروطه خواهان قائم نماید (ناصر الملک) وزیر اعظم مترگردید و خود بعدالحواله و ررضای خواهد بود شاه عموماً اعلان مشروطیت سلطنت را داده کلیه

جرایم بلتکی را بطریق هموم غم نموده است و بسردار ققون دولتی که در نواح آذربایجان است حکم شده که اردو را منتشر و پراکنده نماید

موجب تلگراف که آباد هفتاد و پنج نفر قزاق روسی با دونوب وارد مشهد گردید در قولساختار روس رفقه مشغول بحفاظت هستند. ملتیان از ورود این دسته ققون هیچ گونه عداوت و دشمنی ظاهر نکردند شهر مشهد بهما جهت امن است. مطالباتی مشروطه خواه تمام خراسان در اوامر رؤسای مشروطیت فرمان برداری خود را ظاهر می نمایند و کلیه مشغول بانظامات ملکی باسول مشروطیت اند. هنوز سیستان که سرحد هندوستان است حکومت خود را از جانب شاه دانسته و اطاعت از اوامر انجمن ایالتی خراسان نمی نماید

حبل المتین

از عدم و قوف جماعتی بدخواه و نامحبن کج اندیش اریک سلطنت مناقشات ملت و دولت طاقت بدرجه بالا گرفت که دول همسایه دست دخالت بامور داخله ایران دراز نمودند.

تلکرافات روز چنان ظاهر میدارد که فشار دولتی روس و انگلیس دولتیانرا مجبور بقبول مشروطیت نمود. ولی بقیده واقفان رموز خلق سلطان عبدالحمید بآن قدرت و اقتدار و هجوم لشکر ملی گیلان سر رشت را از کف آنان خارج ساخت. و چون این واقعات مصادف به نصاب سفرای روس و انگلیس هم بود چنین حلوله نمود. ولی اگر نصاب روس و انگلیس مؤثر بود باید قبل ازین اثر بخشیده باشد چه نصاب روس و انگلیس متوالی و ده است افسوس که وقتی مشروطه منظور شد که بدصورت خود دخالت بخارجیه داده ایم و حال آنکه برای ملت و دولت بهتر آن بود که رجوع بحضرات آیات اهل بحف اشرف می شد. و این نکته از هرجه که ملاحظه شود برای ملت و دولت اصلح بوده و هست چه بدون رضای آنها ملت آرام نخواهد گرفت

فلاً معلوم بیست پروگرامی که دولتیین پیش نموده مبنی برکدم فصول است. آیا این پروگرام از نظر ملت گذشته و به تصویب رؤسای روحانی و انجمنهای ایالتی و ولایتی رسیده است یا نه. در صورتیکه رؤسای روحانی فرموده اند آنچه از ملت گرفته شده به آنها باز داده شود و ملت هم به همان حقوق خویش روی رضا خواهد نمود. بقیده ما دخالت بخارجیه دادن ابد

لازم نبود چه بعد از این همه کشمکش و غلبه ملی ملت
و محاصره طهران ملتبان هرگز رضا نخواهند داد که ذره
از حقوق ملیه آنها ضایع ماند ولو روس و انگلیس
واسطه باشند
پس اگر رفع قائلان و کوتاه کردن دست اجانب
را خواستگار اند باید صرف نظر از بازگرفتن حقوق
ملی نمایند، و در صورتیکه بادای حقوق ملیتی داده اند
لازم بواسطه خارجه و دخالت دول همسایه نیست و
ما متصدیم که ملت زاید بر حق خود نخواهد
در هر صورت تا آخرین موقع هم روس همراهی
خود را بدولتبان و مخالفت خویش را با حرار ظاهر
نمود، حالایچه اصول و بجه مستمسک اردوی ملی
گیلان را از حرکت بجانب طهران باز داشته و تا
کجا ملتبان قبول این پروتست را از روس نموده اند
معلوم نیست، ولی از فرآین چنان مستفاد می شود که
مستمسک روس همان واسطه قرار دادن دولتبان است
سفرای دولتبان را، و مظلون است سفرای دولتبان
خواهشات ملی را نیز تحقیق کرده سپس پروگرامی
بدولت پیش کرده اند و پروتست دولت روس هم بر
قشون ملی یعنی بر همین نکته است، که پروگرام خواهشات
ملی پیش شده، قشون ملی راست که صبر نموده تا نتیجه
آن پروگرام معلوم نموده و این جلو گیری از اردوی
ملی توأم از جانب روس و انگلیس بوده، هیچ یک
از دول اجلیه را حق دخالت و آنکسی در چنین موقع
بامور داخله ایران نیست، و هیچ گونه بهانه هم درین
موقع آنان را بدست نیامده، و اگر غیر ازین باشد
یقیناً ملتبان بر سبیل عموم پروتست بدول سائره نموده
روس را ازین دخالت بیجا باز مبداشتند
عجبا که درین دم آخر هم درباریان کم خرد بر غرض
این تنگ را هم بروی دولت نهاده که در غلبه ملت
فوری خارجه را دخالت وطن خود دادند، بازده ماه
ده هزاران روس ملت را در رفته و صدها ملیه
حسامه بر آنها وارد آمده ولی نظر محب لوطنی که داشته و
دارند ذره بهانه دخالت بخارجه نداده، و هیچگاه چنین
تفانی نهموده اند، بد بخانه همین که یک مرتبه غلبه ملت
آشکارا گردید دولتبان فوری ماتی خارجه شده آنها
را دخالت دادند، ملی همین دست نشانگان روس اند که
هزاره در صدد بهانه دخالت روس بوده نهایت در تجربت

و طهران مجرد خویش نائل آمدند

بفیده ما اگر پروگرام روس و انگلیس بر طبق
خواهشات ملت بوده و شاه هم قبول نموده رفع جمیع
تألمات بزودی خواهد شد ولی هرگاه پروگرام دولتبان
با مقاصد ملی مخالفت داشته و شاه هم نخواهد چیزی
از حقوق ملیه که گرت باز ندهد ابد نمیتوان تصور
رفع قائله را نمود، چه در حال مظلومیت ملت زبربار
میچگونه قص حقوق زفت اینک که غلبه پنه بطرف
آنهاست، و همین موقع خواهد بود که خشک سباسبون
در میدان تکانوی در آید چه زمانی هم از انقلابات
داخلی خود آسایش و آرامش یافته و بهترین جواب
تهديدات روس را در شمالی ایران همان تواند داد،
چنانچه درین مدتهم داده است
ولی بفیده بعضی دولتبان را قوه و قدرت خانه
پذیرفته و از زده و خورد با ملت خسته شده اند، و
اینکه دولتبان روس و انگلیس را واسطه قرار داده مبنی
بر دستور العمل سری روسیان بوده که شاید درین آخرین
و مه نیز کسب نفوذی باین وسیله در ایران بتواند نمود
شک نیست که انتخاب جناب (ناصر الملک) برپس
الوزرائی ایران ملتبان را بشاوتی عظیم است و مسلماً
هرگاه (ناصر الملک) قبول این امر را به نماید در پیشرفت
مقاصد اطمینان کامل براسیبه ایشان حاصل شده طایه
امیدواری ملت تواند بود
چون هنوز خبر جرافان ملت نرسیده و متحصنین
سفارت همان را هم خبر ترک نخصشان نیامده چنان
مستفاد می شود که ایصاله نامه بین ملت و دولت
نشده و کاملاً اسباب اطمینان ملت فراهم نیامده است،
امیدواریم که عنقریب اخبار بشارت آمیز را در رفع
مناقشات ملت و دولت بشنویم
پرواضح است هرگاه رفع مناقشه و اختلاف بین
ملت و دولت در داخله بشود مورث اطمینان ایرانیان
خارجیه تواند گردید چه لابد باستمرار انجمنهای ایالتی
و ولایتی و متحصنین حضرت عبدالعظیم و سفارتخانه ها
انجام عمل شده و آنها نیز با اجازه حضرات آیات آنحضرت
اشرف اندام نموده اند، پس امری که بدین اصول
پیش رفت نباید جهت ندارد که برای یافت خارجه را
اسباب اطمینان نکردد ولی تاکنون اخبار را که ما
منتظریم نرسیده است و انشاء الله خواهد رسید

Habibul Maslin Office
MEDICAL COLLEGE STREET
CALCUTTA

نامه مقدسه

هند و برمه

۱۲ رویه -- ۷ روپیه

ایران و افغانستان

۲۰ قران -- ۲۵ فران

عمانی و مصر

۵ مجیدی -- ۳ مجیدی

اروپا و چین

الملك

کلیه امور اداره با
مدیرکل مؤبدالاسلام است
هر دو شنبه طبع
و ۴ شنبه توزیع میشود
یوم دوشنبه

تلگراف وزیر خارجه ایران

بجميع نمایندگان خارجه

(۱۹ ع ۲)

بر حسب امر اعلیحضرت هابون شاهنشاهی کابینه
وزراء جدید تشکیل شد به ترتیب ذیل :-

شاهزاده فرماقرما وزیر داخله ، امیرنظام (تاو رود
ناصر الملك) وزیر مالیه ، متیر الدوله وزیر عدلیه ،
مستوفی الملك وزیر جنگ ، و من الملك وزیر علوم
و اوقاف ، مهندس الملك وزیر فوائد و معادن ، خیر الدوله
وزیر پست و تلگراف ، سعد الدوله وزیر خارجه
(و ریاست مجلس وزراء هم موقتاً قبول کرد)

وزراء با اتفاق عده کافی از اشخاص تربیت شده
آزادی خواه در مجلس شورای دولتی هر چه زود تر
مشغول ترتیب و انتشار نظامنامه انتخابات خواهند شد ،
که انتخابات در تمام ولایات فوراً شروع شده و وکلاء
به طهران حاضر شوند ، به مجردیکه دو نالت وکلاء
طهران حاضر شدند مجلس مبعوثان مفتوح خواهد شد ،
اعلیحضرت هابون بواسطه مرحمت عنو عمومی برای تمام
قداطات پلتیکی مرحمت فرمودند ، و مقرر فرمودند
تمام اشخاصیکه خارج شده بودند بنهایت آزادی بوطن
خود مراجعت نمایند بدون هیچ تعرض (سعد الدوله)
• • •

این تلگراف حکم است بر اینکه تجویز مشروطیت
جدیدی شده و بعد از این همه خوربزی و قتل و
فارت ملت ، هنوز بمود مشروطیت رضا داده اند ،
درین تلگراف چند تجاوز صریح تقاضای اساسی
شده ، چه در بدو مشروطیت جو باطنی منعقد نشده
بود بالجبرویه قانون انتخاب و احثق از روسای ملت
و شته و نامضایک شاه مظفرالایین مرحوم ، از بدو

و در آغاز مشروطیت هر دولت قانون انتخابات وکلاء
بهین ترتیب مرتب و با مضای شاه وقت انشاء یافته
است ، ولی بعد از انعقاد پارلمان که وکلای تمام ملت
بر طبق همان قانون منتخب گردید ، و مجلس مقدس
آن را امضا داشت ، جز به تصویب مجلس شورای حق
دخالت در آن برای احدی نیست ، شوای دولتی و
وزرا و چند نفر احرار هیچگونه حق مداخلت در آن
ندارند ، و قانون اساسی صریحاً در چند بند ناطق بر این
است ، چنانچه میفرماید

اصل مقدم - لوائح لازمه را در ایجاد قانون
با تغییر و تکمیل و نسخ قوانین موجوده مجلس شورای
ملی در موقع لزوم حاضر می نماید که با تصویب مجلس
سنا بصحة هابونی رسانده موقع اجرا گذارده شود
اصل بیست و یکم - هر گاه در قوانین اساسی
وزارتخانهها قانون جدید یا تغییر و نسخ قوانین مقرر
لازم شود با تصویب مجلس شورای ملی صورت خواهد
گرفت ، اهم از اینکه لزوم آن امور از مجلس عنوان یا
از طرف وزرای مسئول اظهار شده باشد

اصل ۲۷ - قوه مقننه که مخصوص است بوضع و
تهذیب قوانین و این قوه ناشی می شود از اعلیحضرت
شاهنشاهی و مجلس شورای ملی و سنا ، و هر یک
ازین سه مامناً حق انشاء قانون را دارد ، ولی
استقرار آن موقوف است بعدم مخالفت باموازیین
شرعیه و تصویب مجلسین و توشیح بصحة هابونی
• • •

پس در تجدید قانون انتخابات فرضی نیز تجدید
مشروطیت و تصرف در قانون اساسی نیست ، و در متن
واقع هر گاه در باربان امانت صاف و از حرکات خود نام
شده و در مقابل پاسای ملت تسلیم گردیده و میخواهند
سلاح حقوقی طلبی را ملت زمین گذارد ، باید بود

مشروطیت رضا داده و مدبر عمل متمسک بحق تانی
 مات نکرده، و در این بازها چند روزی پیش دوام
 میکند، دوباره همان گاه و آنی درینس خواهد آمد
 حق این است که در طلق قانون اساسی انفصال
 محاسن مدس جبری و غیر قانون بوده، چه در دوره
 و بیه شاه را حق انفصال بود، و هر يك از وکلای
 وله که موجودند سمت وکالت باقی آمد، یا باید آنها
 استعفاى خود را تقدم نماید و ز روی همان قانون
 تجزیه وکلاء جدید شود، و یا همان وکلاء طلب شده
 با تمامی را مطابق همان قانون انتخاب کنند، چه در سال
 اولیه دوره، کلاء با تمام ماده و مورد قانوناً وکلاء
 بوکالت خویش اقی میباشد چنانچه این قانون اساسی است
 اصل بجم - منتخبین از روی دو - تمام انتخاب
 می شود و البته این مدت از روی است که منتخبین
 ولایات نماید در طهران حاضر خواهند شد - پس از
 اقباض مدت دو سال باید نماید کان بعداً انتخاب شوند
 و مردم مختارند هر يك از منتخبین سابق را سکه
 نخواهند و از آنها راضی باشند دوباره انتخاب کنند

عمل است بمقتضای کسایک سطحی النظر اند این
 سخنان است و یا تصور بهاء حور آید، این رو
 شایسته است که ما عقیده خود مان را بر سبیل اجال
 بیان نمایم، که غرض عدم تصرف در قانون اساسی
 است، و تا کون آنچه تصرف شده جبری بوده و مات
 هیچ يك روی رضا داده و اینك اگر جاعی انگشت
 شمار مخزنی تصرف در قانون اساسی رضا دهند
 علاوه بر اینکه باب تصرف بار خواهد شد و قانون
 اساسی از حق اشاعه خواهد افتاد، نزاع بین ملت
 و دولت هم رای همیشه برقرار خواهد بود، و هر وقت
 مات قدرت باید دعوی خود را پیش خود کرد، چه
 تصرف در قانون اساسی حق بالمان است و پس، نه
 رؤسای ملت را حق تصرف در اوست و نه رجال
 دولت را - تاریخ جاراس و تصرف در قانون اساسی و
 دطاری ملت را بر آن پس از خدی باید دید و عبرت
 گروت و ابوب متازعه آن را يك داده بدت

شك بدت سکه وکلاء اولیه ما الا شد و بدر
 قابل لوکاله بودند، خصوصاً که درین نامة عظام محک
 نخره پیش آمد و نانات گردید که حصه بزری از وکلاء غیر
 قابل و بلکه تا در حقه سبب اهدام مجلس مدس گردیدند،
 ولی چون در تبدیل قانون انتخابات و تجدید
 مشروطیت مضار عظیمه منصور است که خیال اعظم
 از نقائص این قانون انتخابات و آن وکلاء سر تا یا
 غرض میباشد، ازین رو ما در حسب وظیفه خود که

راه بانی بیات و دولت است هرگز نتوانیم رضا بتبدیل
 قانون انتخابات و تجدید مشروطیت داد، چه مضار آن
 بقدری است که ز تصور درشت بنان و بیان ما خارج است
 من جمله درین یکسال اخیر که يك هیئت وطن
 فروش مات کش دور اریکه سلطنت را گرفته فعال ما
 یشاء بودند و بطمع يك دستمال قیصریه را آتش میزدند
 معلوم نیست نام دولت و ملت چه امیارات خانه بر
 انداز بخارحه داده، و چه قروض مملکت و بران لی
 نموده آمد، و اگر به تجدید مشروطیت و تبدیل قانون
 اساسی مات تن در دهد قانوناً تمام را باید قبول کند، و
 در عکس اگر عود مشروطیت باشد خوف این امر
 کارها ابد نخواهد بود، و هرگاه بدقت ملاحظه شود
 صرته دولت هم در عود مشروطیت است و تجدید آن
 بر هیچ دعوی پوشیده نیست که اختلاف بین ملت
 و دولت حاصل نگردد مگر از فتنه انگیزی است،
 و از روزی که معاهده روس و انگلیس دستخط شد
 مناقشه مات و دولت ابرار بالا گرفت، معلوم است
 که خارجه جز برای وضع خود اقدامی نمی نمایند، بن همه
 کوشش که در اختلاف مات و دولت عودید رایس
 حصول برخی مقاصد وده که از مات و پارلمان استوارستند
 حاصل نماید و بدون شبهه درین مدت بوستجات عده
 در امتیازات مملکت برآمده، زدولتبان حاصل نموده اند
 از کجا که تصدیق نامه تقسیمات حفرایان اوانرا بر
 حسب معاهده خود دولتین از دربار حاصل نکرده اند
 از کجا دولت آلمان چنانچه شهرت دارد قرض
 بدوات داده و امتیازاتی مضر بحال ملك و ملت حاصل
 نکرده باشد،

تمام بازبایک درباریان برای برهم زدن مشروطیت
 بیرون آوردند، بنی بر دستور العمل خارحسان بود،
 تلکرافات جعلی، مهر سازها، استشهاده نامه های
 ساختگی از طرف مات سکه ما مشروطه میخواهیم
 تمام نقشه خارحیان بود تا که رسمیت مشروطیت ایران
 باطل شود، و اگر عود مشروطیت بشود و تجدید ویرا
 کردن هم بلا حرف خارجه عقاصدیک مد نظر داشته
 نائل خواهند گردید، و هر يك هر کافذ پوشیده را که
 بیرون آرند مانند نوشتجات دوره رسمی استبداد ناچار
 تسایم به آن خواهیم گردید، و هیچ بید نیست
 نوشتجات بدست آورده و نویانی برای آینده ما داده
 که مات و دولت را از جمیع مزایای ترقیات آتی محروم
 نموده باشند

هیچ حای شبه نیست که مسايلکات را ترقیات
 معنوی ایران منظور نبوده و نیست، و بر فرض هم
 که بگوایم بعضی از آنها تا در مضایع بلتیک خویش

استقلال ما را خواستگارند آهم بدرجه است که ما را
 يك دولت پوشالی بين خودشان فرار دهند ، این است
 که مسترئج در پارلمان انگلستان در حضور سرادوردگری
 وزیر خارجه انگلیس صریحاً بیان نمود

دولت انگلیس مشروطیت ایران را منافی با آسایش و
 منافع خود در هند دانسته و روس مضر بمالك نفعاز
 نداشته ازینرو هم ساخته و اینساطر را برای ایرانیان پیش
 آوردند ، غرض اینستکه در تحدید مشروطیت صد ها
 مضار یاتیکی و اقتصادی و تجاری برای ترقیات آتی
 ایران متصور است که در عود آن بست

بالجمله چنانچه ذکر کردیم تصرف در قانون اعانات
 علناً تصرف در قانون اساسی است ، و تصرف در قانون
 اساسی حدت مشروطیت ایران را ثابت می نماید

علاوه عنون این تلگراف تصرفات عهده
 در قانون اساسی نموده که از آن مخوف ظاهر می شود
 که همان قسم که تصرف در قانون اعانات کرده در قانون
 اساسی تصرف نموده بلکه میخواستند کابینه تغییر دهند ،
 چنانچه تلگراف میگوید : پس از آنیکه دو نالت وکلا
 طهران جمع شدند مجلس ملتفت خواهد گردید ، و حال
 آنکه قانون اساسی چنین میگوید :-

اصل ششم - منتضین طهران لدى الحضور حق
 انعقاد مجلس را داشته مشغول مباحثه و مذاکره
 میشود - رأی ایشان در مدت فیهت منتضین ولایات
 به اکثریت مناط اعتبار و اجراء است

• • •

ازین هم اگر صرف نظر شود بدون تعیین وقت
 افتتاح پارلمان را تطبیق با امری بسیار مشکلی نموده اند
 و حال آنکه قانون اساسی برای این امر تعیین وقت
 نموده است چنانچه میفرماید

اصل چهارم و نهم - منتضین جدید طهران باید
 فاصله یکماه و منتضین ولایات فاصله سه ماه حاضر
 شود ، و چون منتضین دارالخلاقه حاضر شدند مجلس
 افتتاح و مشغول کار خواهد شد

• • •

در حقیقت افتتاح پارلمان تطبیق با امری شده که عدم
 تکمیل آن را هم دولت تا درجه با اختیار خود گذرده
 است یعنی هم قسم سنگ اندازی میتواند در جمع شدن
 دو نالت وکلا در طهران به نماید ، و هر وقت هم جمع
 شدند چند فری از آنها را متفرق ساختن دشوار نیست
 از همه بالاتر اینکه حضور وکلای سایر بلاد این
 وضع انقلاب و عدم اطمینان در طهران خیلی دشوار
 بلکه از محالات میباشد ، چه اعتماد ملت ازین حکومت
 مواعید رسمی کاملاً زائل شده ، در سوزنی اطمینان

حاصل می نمودند که مانند دوره اوایه وکلای طهران
 مجلس را افتتاح نموده و غائبین دوراریک ساطت دور
 ووزرا ارکسانی انتخاب شوند که محل اعتماد و طمئین
 ملت باشند و این مراتب از عه ان این تلگراف ظاهر
 نمیکردند ، این نکته را هم از باب علم میدانند پادشاهی که
 بدوا مشروطه داده حکم و نف را دارد و پادشاهان
 بعد از آن حکم متولی را و شرما و قانوناً حق واقف
 در تصرفات موقوفه پیش از متولی است

چون بدقت در واقعات این چند هفته اخیره نظر
 اندازیم بخوبی ثابت خواهد شد که پیش آمد امور و
 اقبال مشروطیت حری ، از صمیم قلب است و این
 نکته زیاده از اسباب هشت گردیده و اقداماتیم
 تاکنون شده تمام مبنی بر خیالات اولیه درباریان است ،
 چنانچه طرف غالب و در راه موجوده کسانی ند که طبعا
 منذب و منور مات میباشدند ، گویا فقط برای حد
 قلوب ملت سم و ارت طالبه و رئیس لوررف را بر روی
 (ناصر الملك) گذرده اند ، و حال آنکه تصور نیست
 که ما اوضاع دانی (ناصر الملك) زیر ار وزارت
 بلکه ورود باران برود ، با کسانیکه سعی در قتل او
 و دهاد هرگز بجه ان خواهد رفت ، سببه آن میشود
 که ما جنیدی باین سوت بودیم که سعدالدوله چند وقتی
 هم خود را عدم سدارت بران ارتقاء خواهد داد ،
 و مخوف ظاهر گردید که عزل اخیره سعدالدوله
 هم سارش بود که عهده در کابینه که تمام آزادی
 خواهان ترتیب می شود شامل گردد ، و حال آنکه از
 وقتی سعدالدوله در مجلس مقدس خارج گردید در
 نظر ملت چنان حلوه نمود که در تشکیل دولت ممتنه
 سعی و حاهد است ، و عهده دانی هم چنان طاهر
 میدارد که سها دولت ایران را مشروطه میگوید ولی
 رسماً مغف و پارلمان آن هم نای (دو طای) روس نامه
 را اختیار تر ر آن خواهد بود

ازین تلگراف يك خود سری نازه هم بر خلاف
 دوره اولیه ظاهر گردیده و آن وزارت است و تلگراف
 است ، چه مجلس مقدس وزارت را منحصر در هشت
 قرار داده بود ، و لفظ وزارت بر رئیس است و تلگراف
 اطلاق می شده ، درین کابینه حدنگونا وزارت تجارت را
 راند داشته حذف نموده اند با حضور انتخاب شده ، و
 بجای آن وزیر تلگراف و است حترج شده ، و آنکس
 آهم باسم عبدالهوله که بقیده ملتبان صدمات می
 مشروطیت ایران از امیر هادر کتر بوده است - یکمال
 کامل است سد طریق محاربات تلگرافی مابین ملت
 او را شناخته اند و ضدیت وی با ملت و اسبداد او
 ضرب لقل است

در هر صورت این تلگراف بیخ وجه اسباب مسرت برای ما نگردیده و نمیتوان اطمینان حاصل نمایم بر املت آئینه ایران و تصدیق کنیم که اقدامات جدید مناقشات ملت و دولت را خانه خواهد بخشید. چه آشکارا فریب و نیرنگ معلوم می شود، مگر اینکه این نقشه برگردد و صداقت و صفای نیت در کار آید. و از قرآن خارجی هم چنان مستفاد می شود که تا کنون ملت باین سخنان رضا نداده و حضرات آیات الله نجف اشرف هم جداً خواهانند که هیچ گونه تصرفی نباید در اصول مشروطیت اولیه بشود و بحکم صریح پیروی از همان قانون اساسی را واجب قرار داده اند، و سایر بلاد هم بحدی که قانون انتخابات نباید تغییر نماید. و این نکات را از تلگراف ذیل که دیشب با اداره رسیده مستفاد میتوان نمود

تلگراف طهران

(۲۵ ع ۲ - ۱۶ می ۱۹۰۹)

حیل للمین کلکتہ . آیات الله نجف تلگرافاً پیروی قانون اساسی را واجب قرار داده، ملت به تغییر قانون انتخابات رضا نمیدهد، مناقشات هنوز رفع نشده، منحصرین بحال خود، و وزارت بحالت موجوده باقی، شاه همه قسم رضاداده، اطرافها و حصه عمده کابینه نمیگذارند، محاربه هم هنوز آزاد نیست (ضیاء)

حضرات آیات الله نجف اشرف از بدو مشروطیت تا کنون صدها حکم تخصیصی بر قانون اساسی داده اند، و قانون اساسی بدو از امضای آن موالیان گذشته سپس شاه امضا نمود، تصرف در آن همان دعای اولیه را بروی کار می آورد و مشاجرات کلون را خانه خواهد بخشید

مسل است اگر رفع مناقشات ملت و دولت شده تلگراف بنشاست ملت و جرقانی ولایات رسیده بود، و منحصلمین سفارات و حضرت عبدالعظیم خارج شده بودند، و این سکوت عظیم طرفین را حاصل نمیکردید

ازین رو میتوان گفت اگر دولتبان به نیت صاف پیش نیابند و رفع مناقشه را از صمیم قلب نخواهند باید این تلگراف را در خزانی ایران آثار دانست و انجام، روز نامه (ناخبلات) آلمان مورخه ۲۰ اپریل از وقایع تکرار خود متهم طهران تلگرافی که ترجمه آن بموجب ذیل است اشاعت داده، از آن تلگراف نیز مطالب عمده استنباط توان نمود

ترجمه

درباریان ایران برای ما داشتن ملت از حقوق طلبی چاره را بدیانت دادن روس و انگلیس دیده،

برای مرعوب داشتن اهالی روس و انگلیس در مراکز مشروطیت بسوق عسکر قلیل یا کثیر اقدام کرده اند، بدون لزوم دولتی قشون به شهرهای ایران گسیل میدارند، اقدام دولتی بیک گونه یا س طیبی در ملت ایران پیدا نموده، بحدی نیست تسلیم و خیالات دولت شوند، مسلم است درین میان مقاصد روس و انگلیس هم حاصل خواهد گردید

این نکات پیش با اقتضای است و بکسانی که آشنا بسیاسات فرنگان هستند از آغاز پوشیده نبوده و نیست، چنانچه درین موضوع بارها بحث کرده و کشف این معما را نموده ایم، حالاً هم میگویم

درباریان هم از دولت و ملت هرگاه حب وطن دارند، حب استقلال دارند، حب مذهب دارند، حب آزادی دارند، نباید خارجه را در امور داخله خود دخالت دهند، نباید چشم بهمراهی اجانب داشته باشند، نباید چشم منافع همسایگان بدوزند

بارها نوشته از هم می نویسیم، ای درباریان خود خواه مناقشه با ملت پس است، وطن فروشی پس است، ملت کشی پس است، اگر جنیدی دیگر کار بدین ملوال مالد استقلال بلکه هستی برای دولت که شما خود را رجال آن میخواهید نمی ماند، شما از تدابیر دول و رقابت سیاسی آنها و نتیجه که برای یک مملکت از رقابت آنان حاصل می شود نیستید، اندک توجه به سر و کوریا و مراکز عمده طاقت خود و اولاد خود را بسنجید، امروز میدان رقابت دول ایران واقع شده، انگلیس و آلمان میخواهند برای جلب منافع خویش بکافه یکدیگر زنند، حقوق موهومی را برضد یکدیگر در ایران بهانه قرار میدهند، شما راست که راه بهانه جوئی با آنها مدهید، و نگذارید در سر وطن شما، نتیجه رقابت خود را ظاهر دارند، خدای ناخواسته اگر بروز جنگ بر مسائل رقابتی ایران بین آنها واقع شود خانه استقلال دولت ایران را مانند کوریا باید تصور نمود، چیزی که بد این سببهای بیان کن را به ناید، همان اخق ملت و دولت است، و اتفاق ملت و دولت وقتی کامل تواند شد که حقوق مقصوبه ملت استرداد شود، (یا علی غرقش کن من هم بجهنم) سخن طایله نیست، مدبرانه نیست، حال اندیشانه نیست، همین قدر تصور نمایند که اگر خارجه بر ایران غلبه نمود کدام یک از ملت و دولت پیشتر زیان حاصل خواهند کرد، ملت قابل الزوال نیست، آنچه زائل شده و می شود دولت است

تلاکراف انجمن ایالتی تبریز

بانجمن سعادت اسلامبول

(۲۵ اپریل)

دولت روس و انگلیس بتاریک شش روز افتتاح راه را از شاه طلبیدند، شاه رد کرده، دولتین مصمم شدند که راه جلفا را بتوسط قشون روس باز نمایند و ملت با وجود گرسنگی خودشان دیروز در خصوص افتتاح راه و منع مداخله خارجه بشاه عرضه داشتند، امروز سید و بچاه فرسالتات روس از سرحد گذشتند و انجمن هم با شاه و وزرا مذاکره نموده شاه تلاکراف محبت آمیز بانجمن بخار و بین الدوله برای افتتاح راه امر فرمود، فردا بجهت مقام مقصد و امان و حصول مشروطیت شروع بمذاکره خواهم نمود و حال حاضر را تمام نقاط ایران و محض بتلاکرافید (انجمن ایالتی)

تشکر از جاب اعضای محترم انجمن

(سعادت اسلامبول)

(من لن یشکر الناس لم یشکراه)

از استماع خبر تشکی آفرقه غیرتمندان تبریز برادران ایران در خارجه خیلی متأثر شده هر یک باندازه خود بدست و پا افتاده در جمع آوری اطلسی و اقدام مینمایند چنانچه جناب مستطاب آقا میرزا جعفر خان معلم السنه شرقیه در مسکو بجناب (سا آوبکوف) رئیس تجارت خانه اظهار نموده مبلغ دو هزار و باصد فرانک برای اطافه فلکزدگان تبریز گرفته تلاکرافاً بانجمن سعادت اسلامبول رسانیده که به عملش برسانند

جناب مستطاب آقای حاجی میرزا علی آقای شیرازی مدیر محترم روزنامه مظفری بوشهر سلامه الله تعالی در جبهه مجلسی ترتیب داده همشهریان عزیز محترم را دعوت نموده و حال تأسف اشغال اهالی آذربایجان را با نطق فصیح بیان و حصار را محلوب دادن اطافه نمودند و مبلغ مقتاد و یک لیره عنای فی المجلس جمع آوری کرده بتوسط جناب حاجی محمد علی آقا مرزید ارچند حاجی، الاحسین آقا تاجران لاری بانجمن سعادت ارسال فرموده اند که برای فلکزده گان تبریز مرستاده شود، از هراهی و غیرت مندی و حب الوطنی آن

ذوات محترمه کمال تشکر را داریم، خاصه از جنابان مستطابان حاجی زینال آقا و حاجی عبدالله علی رضا تاجران لنجاوی و حاجی ملا حسین آقا و فرزند ارچندشان حاجی محمد علی تاجران لاری و حاجی میرزا محمد رفیع تاجر لنجاوی که الحاق در وطن خواهی داد حریت پروری داده اند

اسامی معاونین ازین قرار است

سورت اسامی اطافه دهندگان جده بجهت مجامعین فلکزده آذربایجان محض القاب

لیره

جنابان حاج زینال آقا و حاج عبدالله آقا علی رضا

تاجران لنجاوی ۲۰

اجزاه تجارخانه صاحبان حاج زینال و حاج

عبدالله علی رضا

جناب حاج ملا حسین آقا تاجر لاری ۵۰

جناب حاج محمد رفیع آقا تاجر لنجاوی ۱۰

جناب حاج محمود صاحب علی زاهد ۳

جناب حاج محمد علی اکبر علی رضا تاجر لنجاوی ۲

جناب حاج محمد علی ولد حاج محمد باقر لاری ۱

(احمد بیگ) و سایر ولهان جناب حاج میرزا

محمد آقا ولد جناب حاج ملا حسین تاجر لاری ۱

(محمد بیگ)

(عباس بیگ)

(محمد آقا) ولد جناب حاج محمود صاحب علی زاهد ۱

(احمد آقا) ولد ایضاً ۵

جمع کل ۷۱

جبل التین

اداره جبل التین از جناب آقا میرزا جعفر خان و جناب (سا آوبکوف) اظهار کمال تشکر و امتنان مینمایند میرزا جعفر خان معلم السنه شرقیه دارالفنون مسکو که از ایرانیان فیور وطن حواهند چند ماه قبل هم که باسلامبول آمدند شخصاً در اطافه فلکزدگان به تبریز و مدرسه ایرانیان بروز محبت و حریت دادند و ما و جمیع ایرانی خواهارا رحیم متنان خود ساختند جناب حاجی میرزا علی آقا مدیر محترم روزنامه شرقیه مظفری بوشهر که ازین شهادت و وطن و

جان بازان طریق حریت اند معلوم است هر نقطه که
 بوده و هستند بر حسب وظائف خودشان که خدمات
 مایه است اقدام فرموده و خواهند فرمود، و سازگی
 پس از ادای مناسک حج بیت الله بسلامت وارد بمبئی
 گردیدند و عملاً قریب مطلقاً لازم بوشهر خواهند
 گردید و به انجام خدمات دبیرت مایه خود خواهند
 گزیدند، الحقی خسارات صدما یک در راه وطن برسی
 و حریت ملت برده و کشیده اند خیلی وقت آنکیز و
 ما فوق تحریر است، امید واریم عنقریب کارها بروفق
 مرام پیشرفت نموده صلح خدمات خود را از استقلال
 وطن و پیشرفت حریت اثناء وطن حاصل نمایند

▶ پروتست اهالی تربت حیدریه ◀

(توسط انجمن محترم ایالتی خراسان)

ضار سابقه و نفوس منصفه کافه پارلمنتهای دول
 متمدنه خاصه دولت علیه عثمانی و دول فخریه انگلیس
 و فرانسه و آلمان و کانفرنس صالح لاهی و کافه
 مسالمانت هند و قفقاز و غیرم را جلب استغاث
 میناید، بر تمامی مراکز تمدن مکشوف است که در این
 مدت یک سال که ملت ایرانیه در کداسکش استرداد
 حقوق مایه بوده اسلاً و ابدأ بجنون بشریه اتباع دول
 اجنبیه در مینویک از تسلط ایران بوجه من الوجوه
 تجاوزی نشده، بلکه در این موقع که لوازم طبیعت
 مقتضی سوابق نبی با اراد مجزحه بوده مراقبت محصره
 آحاد ملت در این خصوص محبات و قابلیت ایرانیان را
 بر تمامی طالبان مکشوف و مبرهن ساخت، با وصف این
 احوال در این مایه دولت بیخه روس اضافه حقوق
 شریه را پیشنهاد نموده در خفیه و آشکار مداخله
 خود را در امور داخله ایران به رسم و رسم و هر
 ماه و تقریب موقوف نداشته و ندارد، من جمله در
 اترواق تارک که اهالی مملکت خراسان بر حسب امر علماء
 روحانین در مقام مطالبه حقوق مایه خود برآمده و
 در این موضوع مهم فقط بافتتاح انجمن ایالتی اقتضار
 نموده و به پیوسته حق نسبت بداخله خود پیرامون
 هیچگونه آشوب که دست آویز راه جوش باشد نگردیده
 اند، مضافتاً، دولت مشارالها سبها حفظ قونینخانه
 سوق نوای مسکری را زائد علی الزوم مفتاح مداخله
 قرار داده از حافظین حقوق بین الملل و هوا خواهان

عالم انسانیت هموم ملت قاننات بلسان واحد متنی اند
 که دولت معزی البها را از این حرکات اصیح
 منحرف و بحفظ حقوق بشریت منصرف نمایند،
 این نکته نیز پوشیده نیست که امروزه مداخله
 در امور ایران از برای هیچ دولتی مقرون بصره
 نخواهد بود

(خادم الشریه محمد هادی و سائر روسای)

(روحانی و هموم ملت قاننات)

(چهارم ربيع الثاني ۱۳۲۷)

◀ مکتوب از جنوب ▶

قرار اخبارات وثیقه که ۲۳ ع ۹ رسیده :-

(۱) مسئله بره کشی که از مجلس مقدس فسخ
 شده بود این روزها امتیاز کشتن و نجاتش را نیکیلا
 ارمنی و تاجر باشی روسی بدت پنج سال مبلغ صد
 هزار تومان گرفته و سی هزار تومان تنزیل کم کرده
 هفتاد هزار تومان نقد داده اند

(۲) امتیاز خط قصر شیرین که چند سال قبل
 بانگلیس داده شده بود که در هر سال صد یازده
 بدوات بدهند الحال معدن خط ظاهر شده درباریان
 به پست و بجهزار لیره حقوق دولت را از کلیه منابع
 واگذار نموده و لازم است پروتست شود حکه در
 انفصال مجلس شورا حقوق ثابت دولتی مصور از
 کفیر است و این معامله رسمیت ندارد و باید حقوق
 سالیانه دولت سال بسال بداره طالب برسد

(۳) نایب الساطه چهارصد هزار تومان از بانک
 استقراضی قرض کرده اسماً مقروض است ولی دولت
 آنوجه را قبول کرده که جزو فروض سابقه دولتی
 محسوب دارد و قرار داده اند صد هزار تومان دیگر
 هم از بانک بگیرند و یک کرور را سند بانگ روسی
 بدهند حکه مزید قرض سابق شده مملکت و ملت
 ذمه دار باشند

(تکلیف واجب آنکه از طرف انجمنهای ایالتی
 و ولایتی تمام ولایات ایران بتمام سفارتخانههای طهران
 خاصه روس و انگلیس سربماً پروتست نمایند که بموجب
 اصل ۲۳ - ۲۴ - ۲۵ قانون اساسی در انفصال مجلس
 بوده امتیازات بداخله و خارجه و استقراض بدولت

ایران چه مستقیماً هم با واسطه ملقبست و از رسمیت خارج است ، ملت بهیچوجه ذمه دار ایفای شرایط آن امتیاز و استعراض نخواهد بود ، بعد از این پروست و بنادر و کمرک - سخت شدن در منع حمل پوست بره شود)

اخبارات

تبریز - جنگ اخیر تبریز از قرار ذیل است - رؤسای اردو با بعضی از خائنین بنوان همدستی مرتکب شده تدبیری کرده بودند که از طرفی ستارخان را به بیرون شهر کشیده از راه دیگری اردوی دولتی را بشهر راه دهند ، این نقشه را خائنین شهر که شنس هر بود حرکت ستارخان را سبب شدید ، ستارخان هم با پنج هزار سوار حرکت کرده هنوز مسافتی از شهر دور نشده بود که نظر قرار داد خائنین اردوی عین الدوله با سران قشون هموم بشهر آورده بکدفه صدای نوپ بگوش ستارخان رسید ، بی بجه آ پا رده بشهر برگشته جنگ عظیمی واقع میشود ، جهیت زیادی از طرفین کشته میشود ، عوج افواہ عین الدوله و ارشد الدوله و سی و شش نفر از طبقات دیگر کشته شده اند - تعداد کشتار عمفاً معلوم نیست همین قدر معلوم میشود که بعد از کشت شدن عین الدوله ردوی ممظنی در اطراف باقی ماند و بعد از این فتح در صد گرفتاری خائنین درآمد پنج نفر کشته و یک نفر شان را حبس کردند ، در طهران شاه و اسباب عین الدوله را مهر کرده اند ، قوسل روس در تبریز معزول شد ، آدوقه چندان کم بست بطور وقاه است

استرآباد - ایلخانی قدرسکی مخالف ملت شده اقدامات مینمود ، مجاهدین محمدخان پسر ورا کشتند ، خود ایلخانی فرار کرده

مشهد - یکی از اشرار آنجا موسوم به علی لبر با عدد از اشرار انجمن را محاصره نموده که باید متفرق شوید ، زیرا تا مجلس ملی منعقد نشود حق تشکیل انجمن ندارد ، چهار نفر از اعضاء انجمن هم رأی او بودند حضرات مجاهدین قنناز هجوم آوردند ، علی اکبر را با دوازده نفر کشتند و خانه او را خراب کردند و چهار نفر از اعضاء انجمن را هم کشتند

رشت - چهارصد نفر سوار شهسون از طرف آستارا بطرف رشت حرکت کرده ده هر مجاهد ا (بیچ) و مارمچک مأمور آنجا شدند ، ۳۰ نفر آهار کشتند و سی نفر را اسیر نموده ماطقی فرار کردند جناب سهدار مهبای حرکت بطهران میباشند و تقریباً الی قزوین بحیطة تصرف ایشانست

مازندران - از قرار مسموع اسماعیل خان رئیس قشون دولتی را در آنجا دست گیر نمودند ورامین - مبلتی از توپخانه بریاست یکتفر مأمور شده بطرف ورامین برود که در سیاه کوه سنگر بندی نمایند و طاع حرکت بختیارها بشوند

همدان - سیخ محمد باقر محمد پوری مخاب صدر عظم تا کفر ف کرده که محب است چند هر مرض دور شاه جمع شده محض اجرای خطالات اعداد آمیز خود مملکت را هرج و مرج میکنند ، در هر حال نتیجه این قصه معکوس است ، مقتولین را و با حصرت عداالطام نرات کامل در عتبات و سایر ولایات بخشیده و این همه خون ریزی ناحق حیرن نمیشود مگر بدین مشروطیت ، در تکلیف ما مریض است

طهران - دستخط تاسف آمیزی بهمدالدوله صادر شده که چرا بک گفته است مرض را بهاه کرده در مخاه می آید ، موقع ناخوشی نیست حکماً حاضر شوید این بود که سمدالدوله همان روز اشاه دوساعت خلوت کرده بودند ، ولی بخوره ورا داخل شدند ، شاه ۱۵ ع ۱۶ با مستحفظین زیادی به (دوشان تبه) که یکفرسخی طهران و روی کوه همارت دارد رفته اند (معلوم نیست در این وقت به (دوشان تبه) افعال دادن سبب چیست) گویا حیدال توقف دارد

اطرافیکه معار بختیاری بطرف طهران است دارد سنگر بندی میانند ، متحصنین اسبت بچند روز قبل آورده بر رده اند

قم - همه روزه سربارهای مأمور بطرف اسمهان با صاحبمنصبان مراحت و در آستانه متحصن میشود عدد متحصنین تا روز ۱۶ ع ۱۷ (۲۷۰) هر رده است کاشان - قشون دولتی سرباز (۱۵۷۰) نفر ، سوار متفرقه (۳۵۰) نفر ، چادر (۱۰۰) دستگاه ، مقابل باغ نصرالسلطه خارج شهر قیسم نموده اند ، بریاست

ناصرالدوله ، سردار معتمد ، امیر مفتح ، سرداران
بهران تلکراف کرده اند که هر چند امیر مفتح بختیاری
با دولت است ولی ما اطمینان نداریم ، علی المجاهد
خیال حرکت ندارند ، مبالغ سردارها اختلاف و
دخوری است

مورچه خورت - سردار ظفر و معین هایون با
۵۰۰ سوار محبه جلوگیری فزون دولتی مقیم میباشند
سنگرهای (مورچه خورت) نادرشاهی را محکم کرده اند
(هزار السلطنه) با اینکه دو ماه در کاشان مأمور
دولت بود زیارت حضرت مصمم السلطنه مشرف و
سراحتت کرده اند ، سیورسات و پول هر روز از
اصفهان (مورچه خورت) فرستاده می شود
سن - مابین قم و کاشان بوزارت جنگ
راپورت ز هجت الملك و سردار معتمد رسیده که
چهارصد سوار احوال اصرار دولت بتدریج از بین راه
برگشته حضرت مصومه منحصن شده اند

چهار محل - سردار اسعد در عشر آخرا ع ۱
باصفهان بایست وارد شده باشند ما دو هزار سوار ،
تلکراف خوانین از راه هرمز ۲۲ ع ۱ رسیده از
با چهار هزار سوار همین دو روز جان رکف حاضر
و آماده جان نثاری ملت مستم
از فریدن - ۵۰۰ سوار طازم (مورچه خورت)
ندند ، راه اردستان را هم انتظام الملك جلوگیری
کرده از اطراف شهر تفنگچی حواله داده اند هر روز
مثل سیل وارد اصفهان میشود ،

اصفهان - جناب مصمم السلطنه طازم طهران
بوده اند و انتظارشان محض ورود جناب سردار اسعد
است ، تدارک مسافرت تمام شده (۴۰۰) دستگاه چادر
جدیداً دستور العمل داده اند که حاضر کنند ، و قراول
است بلك عده سواری از راه بیراهه تا بچیم ع ۲
خود را مرکز استبداد حاضر و اطراف آنجا باشند ،
مقدمه الحیات اردوی ملی از ۱۹ ع ۱ بههران حرکت
کرده است

محمد حسین خان سزب که باعث قتل و هب
اصفهان بود محبه مصارف اردوی ملی (۴۰۰۰) هزار
تومان تقدم و قسم به راهی ملت خورده و از قونسلخانه
انگلیس خارج شده است

شیراز - اطرافش خیلی با امن بسیاری مال التجاره
تلف شده ، اردوی به سرداری پسران قوام و حاجی
علی قلی خان رحیب اطمینانیکه از خائنین اطراف
حاجی سید عبدالحمین یاقه بسمت لار حرکت کرده اند
انجمن اسلامی از روی نیت اعضایش کار میکند ، افواه
است که ناصرالدوله پسر قوام فتح پنی کرده است
کازرون - قتل و قارت آشکار ، و روزی چندین
فر مقتول میشود

بوشهر - انجمن ولایتی از ۲۲ ع ۱ بعد از قضایح
یکماه منعقد شده ، شیخ حسین جاب توانای محبه امنیت
به شهر آمد ، سرداران چهار عالی ساحلو محبه
مطالبه جیره و مواجب از ۹ ع ۲ به قوسل خواه
انگلیس متحصن شده ، توپجیان ابوالوردی هر روزه
اسباب اغتشاش انجمن هستند ، از روز انعقاد تا بحال
نگذارند انجمن بوظیفه خود عمل کند ، - وجوهای
انگلیس هنوز در بوشهر اند

تلکراف طهران

خدمت جناب مستطاب آقای آقا سید مرتضی
امری دام توفیقان ، از فراریکه شلیده می شود هیجانی
که از طرف سواران ننگستانی در بوشهر شده است
چپاول و صدمات زیاد با عالی آنجا وارد ، بوشهر خیلی
نظم شده این مسئله اسباب رنجش انگلیس گردیده است
میدانید نظر همه ملتبان و مشروطه حفظ امنیت و
آسایش هموم است خصوصاً تبعه خارجه متمنی است
انجمن را طوری مرتب دارید که کمال نظم و امنیت
در شهر و اطراف حاصل شود ، اسباب ترضیه خاطر
اجاب شود ، چگونگی را به تلکرافید

(دای سید محمد امام زاده)

(الاحقر صدر الملای)

از محف ۲۹ ع ۱ ۱۳۲۷

بصره - دهمتی - مجلاً پرساید بوشهر -
هموم علماء اعلام نجار و قاطبه ملت از خبر ظهور فساد
و اختلاف که در آن بذر که در جنگال اجاب است
ملول ، اتحاد آن برادران در تقویت مشروطیت و طرد
حکومت استبداد و امنیت هموم واجب ، فرج قریب
(اقل الحای محمد کاظم الحراسانی)

که پیروی از آن کرده اند از ذلت و توسری خوردن نجات یافته اند و از این رو اگر بگویم که سبب و علت پس افتادگی مسلمانان امروزی (العیاذ بالله) از بدی اسلام است همه مافلان بر ما میبندند و شبکی بر ما میزنند. یا اگر ادعا بکنیم که آن کارهای قبیح و شنیع یزید و شمر که ماه رسوائی ملک مات شده بواسطه فساد دین بوده. بزرگترین کفرهای دنیا را قایل شده ایم و دروغی گفته ایم که از آن بدتر نیست و نخواهد بود. خوب. مگر خداوند چشم مان را پس گردنمان قرار داده که باید هیچ نه بلیم و نفهمیم ؟ در میان همین مسلمانها که امت مرحومه هستند هزارها تا کسی پیدا شده که ظالمهای تاریخی کرده و اقسام و انواع رسوائی برای مسلمانها بار آورده و از جهت آنها یزید و شمر بوده اند که تا ابد اسمشان با لعنت و دشنام برده میشود. و معیذا اهلای مسلمان هم میکرده و شاید بخمال خود اهلای ترویج دین هم داشته اند. یعنی با وصف اینکه پسر پیغمبر خود را شهید میکردند مطلقاً او را خارجی میخواستند و میخواستند باین دست آویز و بهانه های دروغی از کار خود شان طاعت عالی کرده باشند. و هیچکس ننگفت که کارهای آنها موافق و مطابق با اسلام بود. بلکه همه مسلمانهای با اصراف تمام تقصیرات را بر گردن آن ناکسان انداخته و گفتند که بواسطه بستی طهرت و خجالت ذاتی و اصراف بودن بلفظ همچو کاری کرده اند.

اما حالا این مردم بد بخت آن قدر ادراک ندانند که گناهکار را بخوبی بدست بیاورند و باکی مشروطیت را بشناسند. و بنا براین هر جزئی حادثه که رو میدهد فوراً آنرا بر گردن مشروطه و مشروطه خواه انداخته و فحش و دشنام هر دو میدهند.

بابا جان. همان طور که در اسلام یزید و شمر پیدا شد در مشروطه هم یزید و شمر پیدا شده. و همان طور که ما نمیتوانیم بگویم که کارهای یزید و شمر از خرابی اسلام بوده بهمان طور هم باید بگویم کارهای یزید و شمر نانی از خرابی مشروطیت است!! خوب است بوشهریان بمنون باشند و خدا را هزاران شکر و سپاس گویند که یزید و شمر مشروطیت در بوشهر ظهور نکرد و اگر کرده بود. همچو در

اشهار

MOTOR CARS RENAULT FRERES.
Billancourt, pres Paris (France) فرانس

حاصل کننده اتمام بزرگ شرط بین پاریس و وایه
و
گیرنده نخلت از (آومویل کلب) فرانسه
فهرست مجامع فرستاده میشود



بد بختیهای ملت در بوشهر

(ای بسا ابلیس مردم رو که هست)
(پس هر دستی بساید داد دست)

افتضاح تاریخی که از نیات ما مقدس پشروان این نهضت میشوم بار آورده بود هنوز برقرار و ضدیت در پارتی که از خود فرضی بعضی نایکان دست داده بود تا بحال در کار است. بدی کار در این است که بواسطه خرابی اوضاع و ظاهر شدن اغراض مفرضین و خود خواهان که در این حرکت هیچ قصد و نیتی جز بر کردن جیب خود نداشتند بطوری اسم مشروطیت در نزد این مردم بخرد بی فهم لکه دار و آلوده شده که بوصف نیاید. و این هم بیشتر از پیشتر مراتب بیطبی و نادانی آنها را ثابت و روشن میکند. بجهت اینکه چشم حق بین ندارند و نمیتوانند ببینند که این حادثه بوشهر از بی اعتنائی و بی دینی محدودی رخ داده و ربطی بمشروطیت ندارد و حرکات بکنفر یا دو نفر خود پسند حلالی نمیتواند اساس مشروطیت وارد نماید آورده از همچو کسانی که کارهای ناکسان را اصول مشروطیت دانسته و از بخردی بطمن و زم اساس مشورت اقدام میکنند چه توقع میتوانست داشت. همه مافلان دنیا میدانند و شهادت میدهند که دین اسلام خلیل دین خوں است و از هرجهت بر سایر ادیان برتری دارد و همه مردمانی

ناصرالدوله ، سردار معتضد ، امیر مفتح ، سرداران
پلهران تلگراف کرده اند که هر چند امیر مفتح بختیاری
با دولت است ولی ما اطمینان نداریم ، علی العجلاله
خیال حرکت ندارند ، میاف سردارها اختلاف و
دلجویی است

مورچه خورت - سردار ظفر و مین هایون با
۵۰۰ سوار بجهت جلوگیری قشون دولتی مقیم میباشند
سنگرهای (مورچه خورت) نادرشاهی را محکم نموده
(مورالسلطه) با اینکه دو ماه در کاشان مأمور
دولت بود زیادت حضرت مصمص السلطه مشرف و
مراحتت کرده اند ، سیورسات و پول هر روز از
اصفهان (مورچه خورت) فرستاده می شود

سن سن - مابین قم و کاشان بوزارت جنگ
راپورت از بهجت الملک و سردار معتضد رسیده که
چهارصد سراز ابوالجلی اصرالدوله بتدریج از بین راه
برگشته حضرت مصمصه منحصن شده اند

چهار محل - سردار اسعد در عشر آخر ع ۱
باصفهان بایست وارد شده باشند ما دو هزار سوار ،
تلگراف خوانین از راه هرمن ۲۴ ع ۱ رسیده از
با چهار هزار سوار همین دو روز جان برکف حاضر
و آماده جان نثاری ملت هستیم

از فریدن - ۵۰۰ سوار طازم (مورچه خورت)
نده اند ، راه اردستان را هم انتظام الملک جلوگیری
موده از اطراف شهر فنکچی حواله داده اند هرروز
مثل سیله وارد اصفهان میشود ،

اصفهان - جناب مصمص السلطه طازم پلهران
بوده اند و انتظارشان محض ورود جناب سردار اسعد
است ، ندارد مسافرت تمام شده (۴۰۰) دستگاه چادر
جدیداً دستور العمل داده اند که حاضر کنند ، و قرار
است یک هده سواری از راه بیراهه تا پنجم ع ۲
خود را مرکز استبداد حاضر و اطراف آنها باشند ،
مقدمه الحیدری اردوی ملی از ۱۹ ع ۱ پلهران حرکت
کرده است

محمد حسین خان سزب که باعث قتل و هب
اصفهان بود بجهت مصارف اردوی ملی (۴۰۰۰) هزار
تومان تقدیم و قسم به راهی ملت خورده و از قول سلطه
انگلیس خارج شده است

نیوار - اطرافش خیلی نا امن بسیاری مال التجاره
تلف شده ، اردون به سرهاری پسران قوام و حاجی
علی قلی خان بر حسب اطمینانیکه از خائنین اطراف
حاجی سید عبدالحمین یاقه بسمت لار حرکت کرده اند
انجمن اسلامی از روی نیت اعضایش کار میکند ، افواه
است که ناصرالدوله پسر قوام فتح بینی کرده است

کازرون - قتل و قارت آشکار ، و روزی چندین
فر مقتول میشود

بوشهر - انجمن ولایتی از ۲۳ ع ۱ بعد از قضای
یکماه منقذ شده ، شیخ حسین جاب کونای بجهت امنیت
به شهر آمد ، سرارانت چهار محالی ساخلو بجهت
مطالبه حیره و مواجب از ۹ ع ۲ به قول سلطه
انگلیس منحصن شده ، توبجیان ابوالوردی هر روزه
اسباب اغتشاش انجمن هستند ، از روز استناد تا بحال
نگذارند انجمن بوظیفه خود عمل کند ، سوجرهای
انگلیس هنوز در بوشهر اند

تلگراف طهران

خدمت جناب مستطاب آقای آقا سید مرتضی
اهرمی دام توفیقاه ، از فراریکه شنبه می شود بیجان
که از طرف سواران نگرسانی در بوشهر شده است
چراول و صدمات زیاد باهالی آنها وارد ، بوشهر خیلی
نیظم شده این مسئله اسباب رنجش انگلیسان گردیده است
میدانید نظر همه ملتیان و مشروطه حفظ امنیت و
آسایش هموم است خصوصاً تبه خارجه ملتی است
انجمن را طوری مرتب دارد که کمال نظم و امنیت
در شهر و اطراف حاصل شود ، اسباب ترضیه خاطر
اجاب شوید ، چگونگی را به تلگرافید

(داعی سید محمد امام زاده)

(الاحقر صدر العلیا)

از نجف ۲۱ ع ۱ ۱۳۲۷

بصره - دهنشقی - مجلاً برسانید بوشهر -
هموم علماء اعلام نجار و قاطبه ملت از خبر ظهور فساد
و اختلاف که در آن بندر که در چنگال اجاب است
ملول ، اتحاد آن برادران در تقویت مشروطیت و طرف
حکومت استبداد و امنیت هموم واجب ، فرج فریب

(اقل العلیا محمد قائم الطراسی)

اگر کسی میخواست تصویر صحیح استبداد و نتایج آنرا در گوشه از ایران مشاهده کند خوب بود که قدم رجه کرده بدین سربازان چهار محال دیشوکت و اجلال برود و به پند که بی قایمی تا چه اندازه فلاکت و پریشانی برین نوع انسان وارد میکنند و اررا از تمام خوبیهای زندگی بی بهره میسازد، و هر بنده که در این تصویر موحن نظر میکرد بلکه مشت مردمان برای بدبختی را میدید که هر یک از آنها یک رنگ لباس مندوس کپاه پوشیده کلامهای جرکین که آشیانه شپش و دیگر حشرات میباشد بر سر ساسا . بعضی پاهایشان برهنه و بعضی گبوه های بر از نلی و گل پیا کرده و شلوار عایی پاره پاره بر تن نموده گویا یکفر مباشر تیار مخصوصاً آنها را بدینوضع کره للظفر آراسته و جایگاه داشته که در معرض طم جلوه دهد و بساط فضیلت با آن را پس کند - این حالت طاهری آنها بود که عرض کردم ، و سوز درون آنها را خدا میداند ، و بد بختیهای وارده بر آنها که اندازه ندارد از تحریر و تقریر برنماید ، و هر کس که بگوید مفلوک ترین اهالی ایران غیر از سربازان است خوب است زحمت کشیده دوسه روزی برای امتحان در حرکه قشون فضیلت هون داخل گردیده وقت بدبختی و فلاکتیهای آنها را بچشد و دیگر ادعای بی با نکند -

دیگری نوشته طرفه واقعه دروشهر اتفاق افتاده که دیگر وقع و عظمی برای دولت و ملت ایران در الظار دیگران باقی نماند ، آن حرکت جگردانه ملت و خود غرضی بضیها بود که مشت ملتبان را نزد دیگران باز کرده و رسوائی تاریخی فر داد که مشروطه خواهان بلاد دیگر را هم سرد و ست کرده و میکند - گویا خواست خداوندی چنین بود که برای دولت هم اعتباری باقی نماند و ملت وشهر بفهمند که استبداد چه قدر بی نوع انسانا در بدبختی و ذلت هرق میکند - سربارهای منحصن در زبر پندق انگلیس و بریانی احوال آنها هر سنگدلی را برقت میآورد و مخصوصاً در مجموع وقت که انگلیسها سرباز پیا کرده اند اقتضاح ابرار را پیش از پیش در نظر آنها مجسم میسازد - معلوم است نمره بی نظمی ادارات و جو دلف

هنگامه صحیح و بی اعتنائی اولیاء امور غیر از این

نیشود و نخواهد شد - سرازیک حقوقش قدری در کیسه وزیر جنگ ، پاره در حجب سپسالار ، و برخی در کیف لشکر ویسان و صاحب منصبان جزه و کل رفته ، و از بکترمان مقللاً بجهزار هم مایشان میسود غیر از آنها که حالا ما می بینیم محکم بیست که باشند ، قالب ایها از هشت الی ده ماه حقوقشان در محل ماده و چیزی آنها رسیده و خیلی باید از رؤساء آنها تشکر کرد که ایشانرا تا بحال چه گرسنه نگاه داشته و نگذاشته که تفرقه در میان آنها پیدا شود ، و راستی اگر وطن پرستی در دنیا هست هیچکس غیر از رؤساء لشکری اران داراین بوده و نیستند ، برای اینکه آن آقایان محترم خیلی خدمت بوطن کرده و سرباز و نویچی را با اینکا گرسنه ولات ولوت است نگاه داشته و براگنده نکرده اند !!!

معلوم است که اگر روز نامه جیل اللین مرخص باشد و این مقاله نظر ارباب سیف برای برسد هر کس بادازه خود در خشم و غضب فرو رفته و مذکوری را تا اعلی درجه که میتواند میرساند ، ولی اگر یک ذره برده کبر را از پیش نظر خود برداشته و وجود مبارک خود را بحاسیه همین سرباز های گرسنه عرض کنند بیشک تسلیم میکنند که نگارنده از مهده عشقش از اشعار مطاب بر نیامده ، و این برده تیار مسکری را بطوریکه لایق است مجسم کرده - انھی

دیگری نوشته :- باعتماد هم دامایان امروزه مملو کترین ملت عالم فقط ایرانیان هستند که ابدأ از وقت رشکی بهره نبرده و از هر حیه گرفتار بلا میباشد ، ولی مملو کترین ایرانیها هم اراد قشون ایران اند که از همه حیثیات محروم گردیده ، و فی الحقیقه تنها زنده بگور هستند بلکه گرسنه در کور هستند ، و مخصوصاً این جماعتی که در وزیر بیبق انگلیس بدیم گویا مملو کترین سرباز های ایران بوده اند ، و اگر نخواهد در عالم خیال نمونه آنها را به پند بعضی آدمهای گرسنه را که در گرسنگی رمق تکلم ندارند در نظر خود مجسم فرموده اند از آن چند حرفه کپله هم بر نشان پپوشاید و فذنگ دان خالی هم بر گرشان بندید و آنوقت نظری بر سر و پای آنها انداخته جیل جیل سربازان چهار محال را زیارت فرمائید ، اگر کسی

بین وقتیکه ایران. ایران حساب شد خواستید درس صبر و شکیبایی را به کسی بیاموزید خوبست برای مناس احوال این سرباز هارا برایش تفصیل دهید - فی الواقع آدم متعجب است که با اینکه کثافت و بی تمیزی که میان اینها رواج دارد و با آن بی اعتنائی که به حفظ الصحه دارند بطور می تواند سالم باشد و از ملاحظه و امراض گوناگون محفوظ باشد - این بیست مگر از حسن نیت و خلوص عقیدت امراء و بزرگان با حشمت که هر ساله هر يك از آنها از وزیر جنگ گرفته تا سلطان فوج بر احوال خود در دولت ارگ خودشان بساط روضه خوانی بر چیده وجود مبارک را از گناهان و مظالمی که در سال گذشته مرتکب شده اند پاک و نیز میفرمایند ۱۱۱ انتی کلام

باری سخن را کوتاه کرده و از درج نگارشات دیگران صرف نظر میکنیم ، هینقدر خوانندگان عظام اکتفا حاصل فرمایند که سربازان مذکور که برادران ابانی ما هستند از ظلمهای نا مسلمانان التجا بکفار کرده و مورد زحم و دلسوزی آنها شده اند ، موثقی نوشته و ده چندین مرتبه تاکنون در انجمن عملی رسیدگی شده و خواسته اند تحقیق در این کارشوده و بقول بعضیها چهارصد نفر از این فوج قایم و متوفی هستند که اسلا وجودشان معدوم است ، ولی از آن طرف حقوقشان سربا گرفته میشود و در کبسه و جیب روساء محترم میرفته است ، و در ضمن مذاکراتی که انجمن با روساء ایشان کرده چنین ظاهر شده که همین امساله دو هزار و پانصد تومان بتوان رشوه یا باصطلاح دزدان (پیشکش) به روساء کل تقدیم کرده و خیال داند این وجه را از حقوق سرباز بچاره موضوع فرمایند ، ظاهر شدن همین نکته در نزد خارجه برای روسیای و پیسی بك طلی کافی است ، نمیدانم تا کی باید این خرابکاریها پیوسته جانسوز دوام کرده و بر و بران محکمت بیفزاید ، اهالی انجمن هم که از تقلبات نظامی ایران اطلاعات کافی ندارند شاید نتوانند احقاق حق سرباز های بچاره بکننده و بقضیه خبر نگاران ما فیصله کار باید بروز حشر بقتند (یا احکم الحاکمین احکم بانا و بین القوم الظالمین)

در همان هفته تلگرافی از معین النجار بوشهری با سیم انگلیس بانجمن رسیده مضمونش این بوده (بشارت

اختلافات و تقار میان دولت و ملت رفع میشود و وعده فرموده اند بهین دو روزه مشروطیت مرحمت فرمایند) آنهاشیکه خیالاکشان سطحی و نظرشان کوتاه بوده حساب کرده اند که این مواجید صرفی بر مغز و مثر فقی است ، روز بعد تلگرافی جهان سیم از شاه بموم حکام رسیده که (منصب سدارت عظامی دولت را بنواب اشرف والا نایب السلطنه امیر کبیر محول و واگذار فرمودیم و سایر وزرائی هم که جدیداً معین شده و مسئول هستند ایشان خبر خواهند داد ، هموم حکام باید مراضی و مستدعیات خود را بتوسط نواب اشرف بمرض خاکبای هاپون رسانیده حکسب تکلیف کنند و اوامر و نواهی ایشان را همین اوامر و نواهی ما بدانند) چیزی که در این مباحه طایه بشارت خاطر است این فقره است که مشیر السلطنه بعد از آن هم وزیر و وکیل و سوء طایبقی که برای خود حاصل کرد آخر موفق نشد که با فراقت بال چندی دارای ریاست باشد ، و دست مثبت کردگار جهان روزگارش را تباه کرد که اسمش در تاریخ ایران ردیف اساسی عهدنامه زیاد و انعت طماع ثبت شده ، در انظار ملت سرشکته و بی قرب و خان و خدار قلم رفته ، و در نزد دولتیان هم بی کفایتی و بی لیاقتی وی جناب واضح شده که آخر منجر بزلزلش گردید خسرا الحنیا والآخره ذلک هو الحسرا المین .

خیلی لازم است در این صفحات که حکم تاریخ ملی دارد ثبت شود که این جناب مستطاب حق تلف کردن ملت را برای خود و کاینه منحوس خودش ثابت کرد و در عرض این یکسال ریاست نامطومی که داشت کاری کرد که روح امین السلطان در برزخ از او خوشنود گشته ، مقاصد آن خان را که بر بادی ملت و مملکت بود بدترین شکلی جاری کرد ، و میتوان ادعا کرد که اگر خان السلطان حالا زنده بود و این حرکات مشیر السلطنه را میدید با استغناء از او استعفا میکرد که قدری دست نگاه بدارد و اینطور تند نرود ، چرا که امین السلطان هر چند میخواست مملکت و ملت بر باد برود ولی گویا عرضش همین بود که در باوایان هر طور است سوری بچیراند و شکلی از هتاه برکنند ، لکن این جناب طرافت فصاب از بی علی خودش کاری کرد که بجه

حای دربار از بی چیزی فریاد آمده هبت ازگرسنگی
شاکی بودند. قاضیها با اولی الابصار

(هان ابدل هبت بین از دیده نظر کن هان)

(مزولی آقا را آینه هبت دان)

حقیقت بعضی از گاوان طهرانی با وجودیکه قبل
از تصدی ریاست میفهمند که دربار برای آنها حکم
حسلخ دارد باز هبتک حرف وزارت در میان آمد دم
علم کرده گوشها را تیز نموده گاز میگیرند و لکه میزنند،
و قسی بلف خوردن میباقتند که اگر تمام جنک
حازد دران عاقب زار بشود برای لقمه الصباح مولانا
کفایت نخواهد کرد. حسن کار در این است که دست
روزگار مرض جرب در میان گاوان نوعی انداخته و
هان طوریکه جناب اشرفهای هتانی مخدول و منکوب
شده حاشیه و سجاج قهوه خانها گریه بندند. در ایران
هم روزی خواهد آمد که خائشان دین و دوات لباس
خودها از قایت پسیدگی وارونه بپوشند !!

باز قلم فضولی سکرد خوب است بموضوع خود
برگردیم و خلاصه واقعات بوشهر را که از نوشتهجات
خبر نگاران استخراج کرده ایم بعرض برسانیم. در هان
هفته جمادین نزد رئیس کرک فرستاده و مبللی را
باسم مواجب تنگچسبان خود خواست ولی خواهش
ایشان قبول نرسید و رئیس مزبور گفته است که باید
از قونسول انگلیس اجازه بیاورید. و افواهاست بسیار
در شهر اشهار داشته که تنگتانبها یا دشتبها برای
مهاجره بشهر خواهند آمد. و انجمن هم عده مستعظفین
را از دو بیت و بخواه نفر به چهار صد نفر رسانیده.
رئیس للمجامدین هم یکدو فقره با اعضاء انجمن ملاقات
کرده ولی نتیجه بدست نیامده. از انجمن هم چند
نفری بدیدن قونسول انگلیس رفته و از او خواسته
بودند عا کر را بردارد. ولی میگویند که گفته تا وقتیکه
رئیس للمجامدین تنگچهارا از اطراف خود دور نکره
و محاسبات با انجمن نداده و بخود سری و خیالات واهی
باقی است امکان ندارم اجابت کنم. و اجملیان هم اصرار
زیاد رئیس للمجامدین نموده و هر نوع اطمینان صریح داده
حفظ او را متعهد شده بود. ولی انجمن مدرسه که متحرک
بجراکات دیگران هستند و تعدادشان جز تخریب و افساد
نمیباشد باو تعابات داده اند که در خواستهاش انجمن اعتنا

نکرده و باز برفهای نا صحیح و معاذیر غیر موجه
توجه کند. و در هر صورت انجمن در این ضحکانه
گرفتار زحمت و حیرت شده نمیداند از هزدان وطن
فروش جلوگیری کند. یا تزیینی دهد که اقتضای تاریخی
از ایران رفع شود و اجاب برگردند. گذشته بر این دو
نوقصیکه انجمن در صدد اصلاح کار بوده و خیال داشته
حفظ مملکت را تزیینی بدهد لایحه از رئیس للمجامدین
رسیده بان مضمون (از قرار معلوم شما ما قوت
چند دکالت را دست آویز و پناه خودتان ساخته
و با انگلیسها شدوبست کرده هتم آن دارید. مملکت
را بپناه بیگانگان در آورده و وطن فروشی بکنید و
با وجودیکه موقتاً از جانب من در انجمن کاشته شده اید
بعضی تصرفات بجا کرده و خیال باطل دارید. و منم
از این جهت بر خود تمسک کرده ام که دمار از روزگار
شاهها بر آورده بر جان و مال و فرزند و هیاتان لقمه
نکرده بدترین وجهی شمارا مضمحل سازم. و امروزه
من نه از ستار خان کترم و نه از کسی خوف و ترسی
دارم. و حق از حسیج اسلام هم بهم و اندیشه دارم و
تسلط کامل بر همه چیز داشته و دارم. و کاری بر برتان
میاورم که در داستانشا باز گویند)

از اختاره گلات لشن و تهدید و توجید در آن
لایحه بسیار بوده و از مفادش همچو بر میآمده که
تخویف میکرده که اگر بتکلیفاتش اطاعت نکنند و
ریاست مطلقه او را بر خود تسلیم نمایند اسراف در
اعمال خود کند و کار مملکت را بجای نازک بکشاند
لایحه علناً در انجمن قرائت شده و مردم هوماً آشفته
خاطر و مکرر گردید از این سوهنیاات که نزدیک است
کار یکسره خراب شود همه مکرر شده و قرار داده
اند اجتماع کرده نزد ایشان بروند و متقاعدشان سازند
لکن تمام خبر نگاران ما را عقیده چنین بوده که
علاج کار غیر از حرکت رئیس للمجامدین از بوشهر
محال و محتمع است. چرا که خود را آلت افراض
دیگران قرار داده و متحرک بجراکات مفسدین
شده و اطرافهای خان او هم که فرضی جز بر بادی
مملکت و بر شدن حیب خود ندارند البته اگر اصلاحی
شود منافی با منفعشان میشود. بی اعتدالیهای و
جراکات با با کاه مفرضاة با همین کج پندش که بر مردم

مکتوف شده چنان آنها را نا امید ساخته که همگی طالبند بزودی دریاپیکي وارد شده و متصدی حکومت گردد و مملکت را از نمرات بخردی و استبداد شخصی این اگساز نجات دهد ، و طوماری بامضاهای خود بامحسن داده و خواهش نموده اند که در ورود دریاپیکي اعتراضی نشود ، و در حقیقت هم حق بطرف مردم است - زیرا که حالا دیگر برده از روی کار برداشته شد و فهمیدند اگر دریاپیکي شخصاً بخواهد حمایت از استبداد کند این نازه مشروطه خواهان دروهمی هم استبداد خودشان جاری داشته و مملکت را بیاد میدهند ، از اینجاست که میگویند او هرچه باشد بهتر از این دردان خانگی است و بید هم نیست که او نظر به درایت که دارد موافقت با انجمن کند و مشروطیت آنجا را خللی نرساند بلکه مساعدت هم بکند ، ولی اینها فرض و مرض شان تخریب مملکت است و گویا خیال میکنند که بنادر حکم دهات اطراف داره و از خانه جنگی متلانی و خراب نمیشود ،

یک خبر نگاری بطور مفصّل مینویسد که گویا رئیس المجاهدین خیال کرده هائقی که در محراب میان دو طایفه جنگ میشود و همدیگر میزنند در بوشهر هم ممکن است نزاع و جدال برپا کرد و اقتشاش فراهم نمود ، و باین خیال هر ساعت که روی خیزد و می نشیند مردم را از تنگتانیها تهدید و تخویف میکند و خودشان را کدخدایک ده تصور میکنند که دیگران آمده بجزر و نصب از قریه بیروشان کرده و مقامشان را متصرف شده اند

ما چندین مرتبه خدمت طرفین حربیه نگار شده و آنها را بصیحت باعتماد و موافقت با انجمن نموده و خیلی تا کید کرده ایم که بحرف اطرافهای مفرض خود گوش ندهند و هر طور است نگذارند شیعیان را مسامین شود ، افسوس در این است که اصابع ما اثری نکرده و حرمهای مفرضین فوق بر راست گوشیهای ما نمود ، بقراریکه نوشته اند انجمن علی تا اندازه که قادر بوده برای برداشتن سرارهای انگلیس و مرتب کردن سایر امور سی و حید نموده و حتی مجاهدین را هم دعوت بصیوت انجمن نموده ، و اگر ایشان صف آن موافقت را داشته بودند هر آینه کار بدعا

می کشید و این نتایج و حلیمه دست میداد که مردم مجبور قبول حکومت فلان و بهمان شود

این مختصری از مطول و مجملی از مفصل بود که از نوشتهات خبر نگاران بیرون آورده و درجش را لازم دانستیم ، و تأسف بعدی داریم که هر چه آذربایجانیان در ظرف این یکسال جان و مال و منزل خود را در راه عدالت خواهی بذل کردند و نام نیک از خودشان در صفحه تاریخ یادگار نهاده و روی ایرانیان را سفید کردند ، از اینطرف بوشهریان در ظرف ده روز تمام فداکارهای مشهوره آنان را خلق نموده و از خلوش بیقی و پاک اعتقادی زرگان خود چنان فضایی بار آوردند که اعتباری برایشان باقی نماند ، و مشروطیت ایران را که سهل است مشروطیت بلاد دیگر را هم لکه دار و رسوا نموده ، و در نظر طایفه بی قدر و قیمت ساخته و ذهن مردم را سرد جنوب هموماً و بنادر خصوصاً مشوب و مکدر کرده که در آینده کسی نتواند و حوب و قابله آنها بر ایشان ثابت نماید

مکتوب از اسلامبول

(فرغ ع ۲)

(مردم از نوعی آید به مبارک باد)

بدیهت که واقعه جانسوز زشت و قبیح این چند روزه اسلامبول را سیم تلگراف تمام کرده اوضاع رسانیده و اداره مقدسه هم مطلع و مستحضر شده ، در جریده حبل المتین درج و نشر کرده اند ، بی مسک فرنگیان خصوصاً بعضی جراید که معایب شرقیون را با مبالغه الزون از حد مینگاشتند و برده بر محسنات ایشان کشیده ، که را کوه و کوه را کاه در انظار مردم می نمودند احوالات این چند روزه را سر رشته بدست خود گرفته ، واضح است که بچه رنگ و روغن و نا چه شعله وحشیت شرقیان را در نظر طالبان جلوه داده در روزنامهجات خود ثبت و نشر خواهند نمود ، نام نامی اسلام و اسلامیان را در تاریخ دنیا لکه دار خواهند کرد ، مختصراً هر چه خوانده و شنیده اند کمی بسیار و داده از انبار است ، فرض شخصی و حسادت چند نفر آتش ظلم سوزی الروحلت که تنهائ خود را

داشت بد - بلکه آتش بر همه آفاق زد ، کر نام مسلمانان را شکست و هموم اهل توحید را در زدمت نصارا و چین و ژاپون و منود زبون و خوار و ذلیل و مدام غم ، و تمام مستبدین را خصوصاً در باربان ایران بخصیصی امثال شیخ فضل الله را شاد و حرم و نائل بمرام کرده بعدای باطل خویش رساید . اگر چنانچه چگونگی مایه این درویشی را از ابتدا آغاز حکم مثنوی هفتاد من کافند شود ، مختصرش نیست که بعد از کشاد مجلس پارلمان عثمانی بمقتضای طبیعت بی نوع بشر شای پارتی بازی ظهور نمود ، یکی فرقه اتحاد و ترقی که مؤسس این اساس بود ، دیگری فرقه (کامل پاشا) صدراعظم ، زیرا که بسیار کسان امید دخول بمجلس داشتند ما امید گشته داخل پارتی (کامله) گشته در علیه اعضاء اتحاد و ترقی آنچه در قوه داشتند در روزنامهها نوشته انتشار دادند ، چیزی فرو نگذاشتند ، جریده میزان و سرسبقت و دولقان در پارتی (کامله) بودند ، از بد بوشی باعضاء اتحاد و ترقی هیچ مضایقه نمودند و روزنامهجات اتحاد و ترقی هم آنچه قوه داشتند مدافعه نمودند ، جواب شافی و کافی دادند ، پارتی کامله دیدند که نوسن تیز رو افلام را هرچه تیز و تند میرانند از شبدر فلک سیر اتحاد و ترقی کند و هفت ز میانند ، حیل اندیشیده بنای پارتی دیگری گذاشتند ، گروه انبوه کرده آمده مساجد جمعیت محمدی (صلح) گشتند ، در اندک زمان اعداد این گروه بمچهل هزار رسید که اکثر ایشان معمم و طلبه بودند (پارتی پوزنی) بود مسلک و مطالبی که در دست داشته تغییر دادند ، برده دیگر کشیدند ، کم کم زحمت دیگر آغاز نمودند ، که این پیدبانان که فراری بودند در فرنگستان لامذهب گشته آمده اند که دین طارا تغییر دهند و شای اسلام را از بیخ و بن برکنند و ما را فرنگی نمایند ، ما بجز شریعت محمدی (صلح) چیز دیگر میخواهیم و میگفتند ما مشروعه میخواهیم نه مشروطه .

این گروه مسلمان دین از دست رفت ، میخواهند که صوم و صلوات را از میان بردارند ، این نوع محرقات را در اذمان هوام کالامام جاگیر کردند که دین آبا و اجداد شما را برداشته عوض فس برسها شبنه خواهند گذاشت ، این جور مطالب درست در منز هوام

اطولتی جاگیر نمودند و روزی را معین کردند که جمعیت نموده دهمده صبح هموماً مجلس را آبلوفه نمایند بگویند که ما شریعت محمدی میخواهیم نه مشروطه ، این بود که روز دوشنبه بیستم ربيع الاول که صبح احدی از واقعه مطلع بود صبح صادق ده هزار نفر سر باز در میدان سلطان احمد که مجلس پارلمان در آنجا واقع است مجلس را احاطه نموده ، شبانه هموم صاحبمنصبان را گرفته و بسته در سر باز خانه حبس کرده بودند . اجتماع نموده صدایی زده باد شریعت محمدی (صلح) باوج عبوق میرسانند ، تا شام دیگر سرمازن و توپچیها هم ایشان ملحق گشته غلغل و آشوب عظم پیدا شد جمیع دکان و بازار و سراها بسته شده می چهل هزار نفر سر باز علی الانصال تیر خشک هوائی خالی کرده جمعیت فساد طلب هم داخل این جمعیت شده ولوله و آشوبی پیدا شد که چشم مان ندیده ، شب تا صبح در جمیع نقاط اسلامبول از صدای خشک خواب بجنب احدی نیامد و چند نفر هم از صاحب منصبان و غیره مقتول گشتند ، روز بیست یکم شیخ الاسلام آمده بصیحت لایق مکرده رسید که هر چه میخواهد اهلحضرت سلطان جمیع خواهشات شما را قبول فرمود الحمد لله دین ما اسلام و مجلس ما مجلس شورای شریعت است لا غیر ، نمیکذاریم در مجلس یک کلمه مذاکره خلاف شرع ابور شود مطمئن باشید ، اگر قدرت است که خلاف شریعت را مجری بدارند ، گفتند که باید پنج نفر از مجلس طرد و تبعید شود و (کامل پاشا) صدراعظم را که اتحاد و ترقی منزل کرده بار صدراعظم شود ، و رئیس مجلس پارلمان احمد رضا بک با چهار نفر دیگر از خاک عثمانی اخراج شود ، و ناظم پاشا را هم که اتحاد و ترقی منزل کرده وزیر جنگ شود ، روزنامه طلبین و شورای امت بسته شود ، مراد بک و علی کمال شامل در اعضاء پارلمان شود ، معلوم شد که دین از دست رفته منزل کامل پاشای صدراعظم بوده صدارت اوقوام و دوام دین است ، و نفر در ریاست احمد رضا بک بوده ، شریعت محمدی در شمول مراد و علی کمال بصیحت پارلمان بوده (با دشمن هیچ ادبش مشکل بود مدارا)

مختصراً به روز کشمکش ، دکان و بازار بسته ،

موم مردم در حبهجان و منتظر قتل تام ، علی النصال
 صد هزار تیر خشک بهوا خالی مدسد ، کسی را یارای
 قس کشیدن نبود ، همه مات و متعجب منتظر موت ،
 با این وضع و حشابه ناموس شکنانه کاپنه وزراء تبدیل
 شد ، ولی دین مفسدین باز بدست نیامد ، جریخ برصم
 حریف کج باز نگردد ، بمنی (کامل پاشا) به مسند
 صدارت نه نشست و (ناظم پاشا) بوزارت جنگ قاطر
 نگردد ، علی کال و مراد اعضای مجلس نشند ، با
 اینکه رسوائی و رذالت پارتی (کامل پاشا) کامیاب و
 نائل بمرام نکشتند ، لکن صدر اعظم که اتحاد و ترقی
 گذاشته بود هنوز شد ، احمد رضایک با چند نفر دیگر
 لتجا بسفارت انگلیس نمودند و هجالتاً از مرگ خلاصی
 یافتند ، هدف تیر بداندیشان نشند ، مطبوعه مطین و شوروی
 امرا حراب ، قند و جنس را تاراج و با خاک یکسان کردند ،
 روز روشن اموال را بغارت بردند ، خلاصه ظلم انسانیست
 و اسلامیست را لکه دار نمودند ، چنان داغ باطله برنایبه
 اسلام کشیدند که از ابتدای ظهور اسلام تا حال چنین
 حالت بروز و ظهور نه فرود بوده ، احترام و عزت سید
 ملیان مات اسلام فدای اغراض چند نفر بیدین لامذهب
 گردید ، هیات هیات که دیگر بعد ازین ملای متمدن
 مسلمین را لایق مدنیت داند و قابل مشروطیت شایند ،
 داناتی بر اسلام و ملت اسلام وارد آوردند ،

(از حسد و بران شود این جسم و جان)

(از حسد بر باد گردد خانیان)

بدتر از همه ضربه شدید باعتبار و ناموس عسکره
 عثمانی زدند که آن بی اطاعتی و نافرمانی سر بازان که
 افسران خود را گرفته و بسته و حبس کردند ، اگر در
 قاعلان این ملای زشت دره درد دین و وطن و ملت بود
 میبایست خود را بکشند تا از تنگ خلاص شوند و
 الا باطن دین و عزت شریعت دیر و یا زود پادشاهی
 هل آنها را بکنارشان خواهند گذاشت ، و آه
 مظلومان مشروطه خواهان خصوصاً ایرانیان که سال
 است در تحصیل این جان و جسم خود و اولاد خود
 را هدف تیر مغرضین کج اندیش کرده حزن خود را
 تار میکنند البته حرمین حسنی عدوی ملت و دولت را
 باک خواهند سوزانید ، جلد نفر مغرضین در عثمانی و
 چند نفر مفسدین مانند شیخ ظالمی ایرانی موم ملت

اسلام را رسوا و بدنام نمودند که مشروطه غیر مشروطه
 است (الا لطائف علی الکافین)

فرض ازین تفصیل اینست که اینچنین اشخاص خود را در
 دنیا و آخرت در آتش حسد خواهند سوزانید ، مبادا
 شاد توند که ملت عثمانی مشروطه را مفایر احکام شریعت
 دانست ، و این رسوائی را بالا آورد و مطلب همانست که
 عرض شد ، پارتی کامل پاشا بود که هنوز آن از صدارت
 ونصب دیگری بصوابدید مجلس اتحاد و ترقی مفایر احکام
 شریعت و کفر مسلمین بوده و الا سرموشی چیزی در
 پارلمان مفایر شریعت نبود ، مشروطه عثمانی قائم و
 مستحکمتر از سابق شده پارتی کامل پاشا باز نقصان پذیرفت
 رئیس مجلس دوباره از منتخبین مجلس اتحاد و ترقی شد
 (روسیه گشت هر آنکس که در اوغس بوده)

فرض از نکارش این تفصیل آنست حکه وضع
 اشتباهکاری شود ، همه این وقایع از عدم اعتناء
 باسلامیت و محبت وطن و ملت بود ، اگر چنانچه
 شریعت را میخواستند اینقدر بدنامی و رسوائی بر پا
 نمیکردند ، خودشان میدانند که عثمانی حکمران کل دنیا
 نیست محکوم بحکم اروپاست ، بهانه مانند ایام سابق بدست
 ایشان خواهند داد ، مداخله اروپا حتمی شد ، اکنون
 در میان ضابطان مکتبی و امی فحاشی پیدا شد ، موم
 ضابطان مکتبی طرفدار اتحاد و ترقیند و این اتحاد در
 هر شهر و قصبه شعبه دارد ، اقلایک ملیان مردهمان
 ظلم کامل از مکتب در آمده خالصاً و مخلصاً خواهان
 ترقی هستند ، هیچ وقت در زیر حکم جاملان زیست
 نتوانند نمود ، این فحاشی خانیان سوز تا جنیدی علاج
 پذیر نخواهد گشت ، هر روز رنگ دیگر خواهند ریخت ،
 در میان قتل و قارت خواهند شد تا دستق از ضرب
 برون آید و کاری کند ، آنوقت حریه ترا نه سر ماند نه
 دستاره مجلس اتحاد و ترقی اسلامبول تارومار و پریشان
 وجود و نبود بیما رفت حرارت احرار سرد و منجمد
 و خود گرفتار شد بلاگردیدند ، دم بحول طرفین بسوزد
 نه تصدیق یکی میکنم و نه تکذیب دیگری هر دو طرف
 مسلم و قائل که توحید و برادر اسلامند ، آنچه مرا
 و ادار تحریر اینواقعه الیمه نموده همان اخوت اسلامی
 است و الا هیچ وجه من الوجوه قمع و ضرر بعالم
 شخص بنده ندارد ، خداوند خود اصلاح فرماید ،

خدای قهار بحق صاحب شریعت عالم اسلامیت را از شر این جهال (که کسوت علمای حق پوشیده دانسته و فهمیده محض فرض شخصی مثل شیطان عوام را فریب میدهند، مثل عالم نمایان ایران گله مشرعه و مشروطه با مضای کفر و ایمان عوام تفسیر میبایند) محفوظ و مفرضین را از روی زمین باود فرماید، چنانچه حجاج الاسلام بحض اشرف بدینا اعلان فرمودند، منکر مشروطه مسلمان نیست، هاگذا در اجماع جناب شیخ الاسلام و دیگر علمای عمای فتوای صریح دادند، چه قاید این مفت خوران از جهالت خود دست بر میدارند، اروپا هم گفته‌های این عالم نمایان را در دست بهانه کرده، میگویند، جنس مسلمان قابل ترقی نیست، شریعت مانع ترقیست، (گر از قومی یکی بیداشی کرد) (نصحه را منزهات ماند نه را)

ترجمه جراید خارجه

اپوزنگ استقدره و سنت جس کارت مینویسد - در ایران احتمال حادثه حوقسای ممکن الوقوع است شهر تبریز که بدو عالم مشروطه خواهی بر افراشته اکنون دچار محاصره سخت اوقشون شمی شده است، افسوس که از سوخجات دیگر ایران مدد آنها نشده، از استقامت تبریز است که در شمال ایران خود سری سرایت کرده و همچنین در جنوب ایران که حکام مستبد اهالی را در فشار بجهت استبداد مظلوم و مقهور داشته بودند از استقامت تبریز قیام نمودند، مثل شیراز، کرمان، بوشهر، اصفهان و غیره اهالی این شهرها از حیطة اقتدار و حکومت شاه کلیه خارج و خودشان حکومت ملی قائم نموده اند، ولی هیچ نوع امدادی به تبریزان نرسانیدند، تا خارجه در بی نجات آنها برآمد هب ز آنکه در صدی بود و پنج مجاهدینیک رشت را متصرف شدند یوانی، کرد، قفقازی بودند و خود ایرانیها براحت بسر میبردند، حتی از امداد مالی به تبریزان هم خود را کنار کشیده اهتنان نکردند، علاوه بر این در ایران بسیاری از قبائل کوچک هستند که اتفاقاً با یکدیگر ندارند، چنانچه قول خلی از ایلات است که لازم است ما با یکدیگر خصامت داشته باشیم تا وقتیکه مدد خارجی بشروطین ایران برسد استعظام پارلمان در ایران خیلی بیه تصور است

کلوب مینه یسد - دول اروپا را بعد از اضمال منامشات (بالکان) فرصتی بدست آمده واقعات ایران را بنظر دقیق مینگرند، تا کنون بر اوضاع تبریز (که شهر معظی از بلاد ایران و از آغاز در تصرف مشروطیتین و اقداماتشان برخلاف شاه است) اروپاییان بنظر وقت می نگرینتند، تا اینکه صداهای مؤثر از لندن بلند شد و آرائش تا اندازه عوالم معدن را احاطه کرد، تا این هم بواسطه تمد مسافت اهالی اروپا کفر توجه و عمدردی بحال تبریزیان نمودند.

وقایع نگار (طمس) از طهران خبر داده که واقعه ناگواری ممکن الوقوع است در تبریز پیش آید، چه اگر اهالی بر دعوی خود برقرار مانند هزاران خوس از گرسنگی هلاک و اگر تسلیم شوند صد هزاران کشته می شوند، بعقیده ما دد این خبر مبالغه نشده چه بدو تصور می شد که مشروطه خواهان از اطراف و اکناف هجوم آورده به امداد تبریزیان خواهند شتافت، و حالا خلاف آن ظاهر شد، هیچ نوع مدد به تبریزیان نه نمودند، ظاهر است باین وضع تبریز لا محاله باید روزی مطلوب گردد، آیا معنی حبت ملی همین است؟

از ابتدای انقلابات ایران ما را عقیده بر این بود که اگر ایرانیان در حصول ترقی وطن شان قلباً مانند هیچ چیز آنها را طامع نمیتوان شد، حالا چنین معلوم میشود که مشروطیتین بدور امداد خارجه قطع نتوانند کرد و ایرانیان در دطوی وطن خواهی خود در مسئله تبریز خیلی کم عیار بیرون آمدند

اوت لوك مینویسد - طبالات مدهشی که در خصوص وسط شرقی دامنگیر بود از اظهارات (سر ادوردگری) بموجب ذیل بوم چهارشنبه تا درجه رفع شد، وزیر خارجه را عقیده این است فقط از صباحت بشاه نتیجه مطلوب حاصل خواهد شد و شاه در خیال خود منفرد نیست که به بند و نصیحت گوش فرا دهد، بلکه این امر طادت کلیه و مخصوص حکومتهای شرقی است که تا وقتیکه ثابت نشود بر آنها که از عمل نه خوردن به صباحت تصان و ضرر همه باید شان می شود دنده نضا میدهند و به نصاب آموختن عمل نمی نمایند بهتر این بود که ما فقط مطلع

مقرب پرد. از روی کار برداشت خواهد شد.

نیوکاسل حثول مینویسد - شلیدن این خبر اهالی انگلستانرا زیاده‌پیشار نموده که پلتیک انگلیس و روس را سیاسیون آلمان در ایران مغلوب نموده‌اند چنانچه شنیده می‌شود که دولت آلمان برای اصلاح بین ملت و دولت ایران سعی است خود را ثالث قرار دهد، و از قبلیس خبر رسیده که ننگ آلمان در طهران مستعد دادن فرصه هنگفتی بایران شده است، اما شرایط آن معلوم نیست، این امر صراحتاً ظاهر مبدارده که دولت آلمان مصمم مداخلت در معاملات ایران شده است. باید دید دولتین روس و انگلیس در جلوگیری آلمان تا کجا کامیاب شود، فعلاً این مسئله موضوع بحث است که آیا آلمان اقداماتش در ایران برخلاف امراض دولتین روس و انگلیس خواهد بود؟ روس و انگلیس بموجب عهدنامه پیش خود ایران را دو قسمت کرده، حصه شمالی که بسیار وسیع است به خود روس و حصه جنوبی که وسعتش کم است به خود انگلیس در آمده درین تقسیم حترافی هیچ‌حق آلمانرا ساجیده اند، ولی نقل این عهدنامه در اداره خارجه آلمان فرستاده شد، و دولت آلمان هیچ نوع اعتراضی نهمود، حالا نمایندگان امپراطور آلمان دارند بشاه قرض میدهند، این خیال که مشروطیتین را پست و حکومت مطلقه را بری قائده خود قائم‌گذارند و خودشانرا حکم بین دولت و ملت ایران قرار میبخوانند بدهند و نالت شوند، این حرکات موثر تعجب گردید، بنظر می‌رسد کلیه امراض امپراطور آلمان اینست که در وسط آسیا نیز مقتدر و کامل نفوذ گردد، و ازین رو در پی جاه و مداخلت است

دولت آلمان میخواهد در دریای (مدیترانه) مرکز تجارتی حاصل نموده انظام عبور و مرور جہازات خود را از (مدیترانه) الی خلیج فارس کاملاً بنماید و بدین جبهه است امتیاز تعمیر راه آهن بغداد را از طریق اسلامبول الی بغداد و از آنجا به کویت که در خلیج فارس واقع است حاصل کرده بود، دولت انگلیس اعتراض نمود و این امر تا درجه معطل ماند، حال که آلمان میخواهد دست اندازی در ایران کند با اینکه فرضی تا کنون ظاهر نداشته ولی

شاه را تا وقتیکه پارلمان ایران را مفتوح نماید و اجاره استراض از پارلمان گرفته نشود از دولت انگلیس فرض بدولت ایران داده نمی‌شود، ولی در اینجا يك نکته حبی دقت طلب است که سلطنت مشروطه مانند سلطنت‌های مشروطه اروپا در ایران بکار خواهد آمد یا نه؟ این رمان حالت ایران ابر است، اصلاح جنوی از دست شاه بیرون رفته و مشروطیتین بروشهر و بندر عباس قبضه کرده و جہازات جنگی مارا حکم شده که برای محافظت مال و جان رطابای انگلیس در آنجا ما رفته (اگر آنها در معرض خوف باشند) با این همه دولتین انگلیس و روس توام اگر ساهی شود ممکن است بین يك هفته رفع اغتشاش از ایران بشود، با وجود صورت بستن عهدنامه انگلیس و روس بازم اجازت داده شده بود که اصلاح مملکت خود را دولت و ملت ایران نمایند

بالمال گزرت مینویسد - از ایران خبرهای جنگ می‌رسد، گاهی شاه غالب و ملت مغلوب، و گاهی ملت طالب و شاه مغلوب است، شك نیست که حالت ایران بصورت مجموعه خراب و بجهت خودشان و براساس آنانکه متعلق اند ما ایشان، در حوالی رودخانه ارس فتوت شاه به مشروطیتین با کمال احتیاطی شلیک می‌نمودند تا به فراوانی روسی ~~که~~ بمقام (جلفا) که آن طرف رودخانه است کلوله برسد بلکه روسها بمسکر محافظت خود اوتاده برخی تصرفات نمایند، بدینجمله دولتین روس و انگلیس که زور بشاه آورده بودند که قرض بدولت ایران نخواهند داد تا وقتیکه مجلس ملی قائم نشود ظاهراً نتیجه از آن حاصل نگردید چه شاه بذرایع دیگر وجه حاصل کرده و میکند

(نوبورجیا) را خبر رسیده که بانک آلمان در طهران قرض بشاه داده ممکن بود در اینجمله شك نایم ولی چند روز قبل جرابد (آستریا) تهدید دولت روس را می‌نمودند که در ایران اغتشاش برپا کرده دولت روس را بریشان خواهند کرد، ازین رو برای (نوبورجیا) قین حاصل شده که اطریش و آلمان توام دارند در ایران کار میکنند، اما مارا عقیده نیست که این خبر بکلی صحیح باشد، چه این قضیه تا درجه به ثبوت پیوسته که تجارت شاه‌های انگلیس بشاه مدد ملی می‌دهند و

صاف ظاهر است که اگر قصد آلمان در مسئله راه آهن هم نباشد طبعاً مایل است که خار پهلوی دولتی انگلیس و روس در ایران واقع شود تا وقتی که موفقی بدست آورده مقصود اصلی خود را ظاهر دارد. انگلیسان باید تا زمانی تجسس و تحقیق کنند در حقیقت این امر، ولی فعلاً حالت ایران ابر است. چندی بعد خود بخود ظاهر خواهد شد که آلمان در بحر (مدیترانه) کدام مرکز تجارتی را حاصل کرده است. راه آهن تبریک شده آلمان قبل از رسیدن به اسلامبول از اغلب ممالک عثمانی بلکه آسیا خواهد گذشت. پس باید زمانی را منتظر بود که علناً مقاصد آلمان آشکار شود. از مرعوبیت روس تا اندازه او را خود در (بالکان) حاصل شده که مبدأ مقاصد اوست و طبعاً بظهور خواهد رسید در خلیج فارس اختیارات دولت انگلیس بسیار است. آلمان میخواهد خلل به اقتدار انگلیس برساند.

وقایع نگار (مارتنگ پست) از (پترسبرگ) می نویسد که از حرکات روس در ایران ممکن است پیچیدی های زیاد در عوالم سیاست پیدا شود

دولت روس بعد از تغلای در (بالکان) و یاس ابدی او جبهه تسخیر ایران میخواهد قشون بفرستد مسلماً این حرکت داعی خوف بر همزندی بین روس و عثمانی است. این وقت ایران خود در جنگ داخلی مشغول و این جنگ بین مشروطه خواهان مات و فوج شاه در سمت جلوب غربی واقع شده است. اهراب خلیج فارس نیز بسیار زحمت میدهند

از بوشهر خبر رسیده که اهراب بر جبهات انگلیسی و عثمانی بین بصره و بغداد شلیک کرده. يك چهار که حامل پست بوده ۳ نفر مقتول و سه نفر مجروح و عثمانی از جلوگیری این حملات اهراب و سرکوبی آنها عاجز است. اجالاً حالت تمام وسط شرق مشغول و دولت انگلیس را لازم است از جلاکوبای روس و آلمان هوشیار باشد و در خلیج فارس هزاره دسته از جهازات جنگی خود را آماده نگاهدارد

﴿ حکم حضرت آیات الله بحیف اشرف ﴾
(بسم الله الرحمن الرحيم)
مهرم سرداران لشکری و صاحب منصبان فزاکان

و فواج سواره و پیاده و امراء توب خانه و سایر اهوان ظلم و استبداد را اعلام میداریم
اگر چه بعد از آن احکامیکه سابقاً بهمه نوشته و اعلام نمودیم که اطاعت حکم بقتل و شلیک بر ملت مشروطه خواهان بمنزله اطاعت بزیاد بن معاویه و با مسلمان منافی است. مصیبتا تأمیر نکرد و با سرداران روسی و اشیاهم همراهی و چه قدر مطیع طیبه مسلمانان را بخت اموالشان را نهیب و خواهران و برادران و اولاد خود تا زاری الحنیفه پیوه و بقیه و بی صاحب کردید. و این بدنامی و تنگ بندی را بر خود روا داشتید دیگر حای سحتی نمانده. لیکن همینقدر بشما میگوئیم آیا سزاوار است سرداران اردوهای عثمانی که بچنگ مات مأمور شدند با برادران اسلامی خود مداره نکرده باهم همدست و اساس قویم مشروطیت و عدالت را که سرطانه سعادت ملت و دولتشان است بفاصله داشت ساعت چنین مستحکم ساختند و شهاها ما اینکه مسلمان هستند ما سرداران روسی همدست و چنین شناع را ارتکاب و خود را در زمره اهوان بزیاد داخل کنید؟ تا زود است البته از گذشته توبه کنید و در آینده از این شناع احتراز و با ملت و برادران دین خود مانند اردوی عثمانی متفق و همدست شوید تا گذشته آمرزیده و بدامها نیکنامی بدل شود انشاء الله تعالی.

(من الاحقر الخیر محمد کاظم الخراسانی)
(من الاحقر عباده المذدران)

﴿ صورت حکم جناب مستطاب آقای مجنی ﴾
بسم الله الرحمن الرحيم والحمد لله والصلاة والسلام
على خير خلقه محمد وآله الطاهرين

احکام مطاعه حجج اسلام بحیف اشرف و سایر علماء اعلام و حصون اسلام دامت برکاتهم که در جلسه مجلس مقدس مشروطه شوراه ملی شیدانه ارکانه مراسم فرموده اند زیارت شد. رکافه اهل اسلام اطاعت آن احکام لازم و متعمم است و از جانب ابن حقیق و سایر علماء اصفهان هم از دو سال قبل که ابتداء مجلس شوراه ملی بود تا بحال کمال اهتمام و سعی در موافقت و احراء آن احکام مطاعه شده و بیون الله تعالی بعد از این هم اهتمام کامله خواهد شد. و این حقیر هم کراراً مطابق آن احکام مطاعه که حجج اسلام بحیف